

شجاعتی از پیامهای عمومی بیت العدل اعظم الهی

خطاب به :

یاران ایرانی

نشر اول

بجنته تی نشر آثار امری بزبانهای فارسی عربی
لائسنسین - آلمان غربی
۱۳۲ بیج - ۱۹۸۵ میلادی

در این احیان که بسیاری از یاران ایران در نقاط مختلفه جهان پراکنده اند
و دسترسی به پایه های بیت العدل اعظم الهی ندارند این مجله در صد و نشر
آنها برآمده و با اجازه معهد اعلمی مجموعه کنونی فراهم شده که درین دور
بعضو رندگان مجال جانان عرضه میگردد .

با تقدیم اشواق قلبیه

مجله نشر آثار امری بزبانهای فارسی عربی
لایسنسین - آلمان غربی

فهرست مندرجات

صفحه	
	۱- قسمتی از پیام معهد اعلیٰ
	خطاب به محفل ملی ایران
۱	مورخه ۱۷ شهرالعزه ۱۲۰ (۸ سپتامبر ۱۹۶۳)
	۲- دستخط بیت العدل اعظم الهی خطاب به
	محفل ملی ایران
۴	مورخه ۱۷ شهرالعزه ۱۲۰ (اول نوامبر ۱۹۶۳)
	۳- از دستخط بیت العدل اعظم الهی خطاب
	به محفل ملی ایران
۶	مورخه ۹ شهرالقدره ۱۲۰ (۱۲ نوامبر ۱۹۶۳)
	۴- پیام معهدا علی خطاب به احبای ایران
۷	مورخه شهرالجلال ۱۲۱
	۵- قسمتی از پیام معهد اعلیٰ خطاب
	به محفل ملی ایران
۱۱	مورخه ۴ شهرالملک ۱۲۱ (۹ فوریه ۱۹۶۵)
	۶- پیام معهدا علی خطاب به احبای ایران
۱۳	مورخه شهرالعلاء ۱۲۲
	۷- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم خطاب
	به محفل ملی ایران
۲۶	مورخه ۱۷ شهرالملک ۱۲۶ (۲۳ فوریه ۱۹۷۰)
	۸- از دستخط معهدا علی خطاب به محفل
	ملی ایران
۲۸	مورخه ۱۰ شهرالنور ۱۲۷ (۱۴ جون ۱۹۷۰)
	۹- از دستخط بیت العدل اعظم خطاب
	به یکی از یاران
۳۰	مورخه ۹ شهرالرحمه ۱۲۷ (۲ جولای ۱۹۷۰)
	۱۰- از مرقومه معهدا علی
۳۱	مورخه ۱۰ شهرالعلم ۱۲۷ (۲۵ اکتبر ۱۹۷۰)
	۱۱- از مرقومه معهدا علی خطاب به محفل ملی ایران
۳۳	مورخه ۱۱ شهرالمشیه ۱۲۸ (۷ اکتبر ۱۹۷۱)
	۱۲- پیام بیت العدل اعظم خطاب به یاران ارض طا
۳۵	مورخه ۹ شهرالشرف ۱۳۱ (۸ ژانویه ۱۹۷۵)
	۱۳- پیام معهدا علی خطاب به احبای ایران
۴۱	مورخه نوروز ۱۳۱
	۱۴- پیام بیت العدل اعظم خطاب به یاران ایران
۵۰	مورخه ۷ شهرالقول ۱۳۳ (۲۹ نوامبر ۱۹۷۶)
	۱۵- پیام معهدا علی خطاب به احبای ایران
۵۸	مورخه ۱۹ شهرالبهاء ۱۳۴

۶۲	۱۶- پیام بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران در بلاد غربیه مورخه اول شهرالنور ۱۳۴ (۵ جون ۱۹۷۷)
۶۹	۱۷- پیام معهدا علی خطاب به یاران الهی درکشور مقدس ایران مورخه ۹ شهرالعزه ۱۳۵ (اکتبر ۱۹۷۸)
۸۰	۱۸- پیام بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایرانی مقیم ممالک سائره مورخه ۴ شهرالملک ۱۳۶ (۱۰ فوریه ۱۹۸۰)
۹۵	۱۹- پیام معهدا علی خطاب به احبای ایرانی مقیم بلاد غربیه مورخه شهرالاسماء ۱۳۸
۱۰۸	۲۰- پیام بیت العدل اعظم خطاب به یاران ایرانی مقیم ممالک خارجه مورخه شهرالشرف ۱۴۱ (ژانویه ۱۹۸۵)

اول شهرالعزّة ۱۲۰

۱۷ شهریور ۱۳۴۲

۸ سپتامبر ۱۹۶۳

... اصولاً "عضویت یاران در مؤسّسات و مجامعی که مقصدشان صرفاً ترویج منافع عمومی و مرامشان کلاً با تعالیم الهی موافق و از امور سیاسیّه قطعاً برکنار جائز ولیکن این امری است بسیار دقیق و قبل از اقدام شایسته تحقیق نصوص الهیه مصرّح است که بهائیان خادم حقیقی نوع انسانند و خیرخواه عموم اهل عالم در امور خیریه عام المنفعه در جمیع بلاد جاهد و پیشقدم لهذا حسب الوظیفه با امم و طوائف سائره با نهایت روح و ریحان معاشر و مجالسند و در رفع تعصّبات جاهلیّه و بسط تفاهم و تعاضد در میان عموم طبقات ساعی و جاهد .

باید بوسائل فعاله تشبث نمود تا جامعیت کلمة الله و عمومیت تعالیم مقدّسه بهائی را بر نفوسی که هنوز از نعمت هدایت محرومند معلوم ساخت و چنان ننمود که دیگران جامعه بهائی را جامعه ای مسدود و جامد و غیر منبسط شمارند در عین حال بایند دانست که اول و اهمّ و اقدم وظیفه ستاینندگان اسم

اعظم آن است که بتمام قوی جمیع استعدادات مادّیه و معنویّه خویش را بدو صرف تحکیم مبانی نظمی بدیع الهی فرمایند و به تشیّد مؤسّسات رحمانی پردازند که بالمآل کافل سعادت و ضامن وحدت و بانی مدنیت روحانی درعالم انسانی است و بعداً بقیّه قوی و اوقات و استعدادات خود را مصروف امور ممدوحه ثانویه دیگر نمایند و همواره بخاطر آورند که از جمله جهـور خلاق فقط معدودی از نفوس اند که بنعمت هدایت مخصوص اند و در زمره اهل ایمان محسوب و این موهبت کبری مستلزم وقوف کامل از وظیفه و مسئولیت عظمی است که بردوش اهل بهاست یاران نازنین باید بکمال یقین تعالیم مقدّسه این آئین مبین را نوشداروی آلام و اسقام جهان شمارند و بدانند که مجامع و محافل سائره هر چند منبعث از آیات صادقّه حسنّه افراد خیرخواه بشر باشد با تعالیم جامع الأطراف سرمدی الأثار امر بهائی که مستمد از فیض مدرار ملکوت ابهی است قابل قیاس نبوده و نیست چه که اساس امرالله الهی است و عمومی و دیگر امور بشری و خصوصی .

بحر اعظم را بآبی باریک چه مناسبت و شمس حقیقت را بفتیله ای تاریک چه مشابعت .

چونکه صد آمد نود هم پیش ما است . البتّه احبّاء

با وفا قدر این منقبت کبری یعنی معرفت جمال اقدس ابهی را بخوبی میدانند و جمیع اعمال و رفتار انفرادی و اجتماعی ومدنی و روحانی خود را بر محک تعالیم مبارکه اش زده آنچه را خیر امرالله دانند مجری دارند و در نهایت فطانت و ذکاوت که شاء ن مؤمنان است مواظبت خواهند فرمود که مبادا متدرّجاً نادانسته از منهج قویم منحرف شده منحصراً طریقی را پیش گیرند که اصولاً ساخته دست بشری و فطرّه متضمّن نقائص و نواقص کلی و احیاناً دستخوش ارباب کید و ریا از سیاسی و غیر سیاسی باشد .

با ذکر این مقدمات پیوستن بمجامع سائره موکول است بوجدان افراد احبّاء که پس از مشورت با آن محفل مقدّس تشخیص دهند که ارتباط و عضویت در انجمنهای غیر بهائی بنحوی از انحاء مفید بمصالح امرالله و سبب تسهیل انتشار تعالیم الهی و تزئید حرّیت و عزّت و شهرت آئین نازنین بهائی و وسیله ای جهت خدمت بعالم انسانی است آنهم بنحوی که اصالت امرالله محفوظ ماند و یاران در همه حال بنام مبارک بهائی معروف و متباهی باشند و از حدو معینه ای که آن محفل مقدّس بعد از سنجیدن اوضاع و احوال در هر مورد مقرر فرمایند تجاوز نمایند .

نباید بدعتی گذاشت و رسمی را تازه داشت بلکه باید علی قدر مقدور در اینگونه امور که بعبادات و وجدانیات نفوس مربوط است حریت افراد محفوظ ماند بدون آنکه تشخیص و عمل یک فرد ملاک و میزانی برای فرد دیگر باشد و در عین حال باید مواظب بود که اصالت و استقلال و جامعیت این آئین نازنین در جمیع احوال حراست گردد و اوساخ تقالید عتیقه ذیل مطهر امرالله را آلوده ننماید .

۱۲ شهر العنبره ۱۲۰
اول نوامبر ۱۹۶۳

در جواب مرقومه آن محفل (۱۹/۷۱۱ شهرالعنبره) واستعلام محفل روحانی طهران شیّدالله ارکانه راجع بطرز زیارت احبّاء در اماکن متبرّکه و افروختن شمع و تبرک نبات و غیره بأستحضار آن اُمناء عزیز امر الهی میرساند که مقصد از زیارت اماکن متبرّکه کسب فیوضات معنوی و ایجاد حال توجّه و تنبّه و تقویت احساسات روحانی است و عادات و مراسم معموله از امور ثانویه فرعیّه غیر ضروری محسوب . یاران مختارند که اماکن متبرّکه را بهر نحو و منوال که باعث تزئین حال و توجّه و ابتهاج و سبب تقویت عواطف معنویه و ممد انبعاثات روحانیّه خویش دانند زیارت نمایند مشروط باینکه با رعایت حرمت و حفظ طهارت و نظافت مقام منافی نباشد اما در جمیع احوال باید متذکر باشنند که حتی الامکان از تشبّه با اقوام سائره و تقلید از رسوم ادیان عتیقه اجتناب ورزند و مخصوصاً مواظبت تمام نمایند مبادا بتدریج کثرت تقلید و مداومت بر یک روش و منوال سبب شود که نفوس سائره چنین پندارند که بهائیان برای زیارت اماکن مقدّسه خویش آدابی مخصوص دارند . مقصود اینست که در این قبیل موارد هرگز

شهر کجبال ۱۲۱

سالکان سبیل ایمان یاران یاوران مهربان
در کشورتمس مبارک ایران

ای برادران و خواهران عزیز روحانی

۹ شهرالقدره ۱۲۰

۱۲ نوامبر ۱۹۶۳

در این ایام که دلدادگان جمال رحمان در سراسر جهان مستعد قیام و هجوم و حولان در میدان جدید خدمت بائین یزدانند این جمع بکمال محبت و ولا خصوصاً آن یاران عزیز با وفا را در موطن مقدس جمال ابهی بیاد آورد و لسان جان را بمحامد و نعوتشان دمساز دارد که المنة لله آن والهان جمال کبریا از بدو طلوع صبح حقیقت از جام ألت نوشیدند و سرخوش و سرمست بیای استقامت و وفا بمیدان قربانی و فدا دویدند و سرو جان نثار قدم جانان کردند تا آنکه شجره طیبه الهیه بخون پاکشان سقایه شد و اصلش در جهان ثابت بماند و فرعش بعنان آسمان رسید و بالأخره بر خاور و باختر سایه گستر شد فی الحقیقه چه عزتی و چه موهبتی اعظم از اینکه نصیب یاران ایران است .

آن عزیزان بزرگوار بودند که اول بار بار امانت

در نامه گرانمایه آن امناء عزیز امرالله مرقوم رفته بود که یاران مهربان ایران طالب داشتن شرح احوال و تذکره اعضاء بیتالعدل اعظم اند اگر چه این درخواست منبعث از عنایت و محبت بی پایان عزیزان آن سامان است و باعث تشکر و امتنان ولیکن با آرزوی جان و وجدان این خادمان آستان یزدان مغایر و مخالف که در هویت قلب جز محویت و فنا تمنائی ندارند و در عبودیت عتبه مقدسه نام و نشانی از خود نخواهند امید آنکه نزد احباء کرام این عذر مقبول افتد و تفصیل بیشتری لازم نیاید چه که من حیث الأنفراد جمیع ستاینندگان اسم اعظم در صقعه واحدند کلّ بندگان یک آستانیم و شمعهای یک شبستان باید در حق یکدیگر دعاکنیم تا در این ایام مبارک بماینبغی و یلیق قیام نمائیم و با عمل و اجراء وصایا و تعالیم الهیه بآنچه جالب رضای مبارک است فائز و مفتخر گردیم .

پروردگار را بردوش کشیدند و مزارع قلوبشان را کشتزار معرفت کردگار نمودند و هر طوفان بلا را بنهایت صبر و استقامت مقابلت و مقاومت فرمودند تا سنبلات حکمت الهی در عالم امکان سر سبز شد و خرمن عرفان مقصود عالمیان بر جهانیان نثار گردید و قحط زدگان بازار روزگار را بمانده آسمانی مرزوق ساخت .

صفحات زرین تاریخ امر رب العالمین در دو عصر رسولی و تکوین مشحون از ذکر فتوحات باهره یاران نازنین در آن سرزمین است که کل در الواح مبارکسه نورا و در توقیعات منیعیه مولا بیهمتا تصدیق و تمجید و تحسین شده و ضامن سعادت و عزت و برکت ابدی آن عزیزان دل و جان گردیده است . و اخیراً چون سردار جندهدی کوس جهاد جهانی روحانی بکوفت و بندای مهیمن «البدارالبدار یا معشرالأبرار قوموا عن مفاعدکم و انفقوا ما وهبکم ربکم و اهجروا دیارکم و اوطانکم و انصروا بارئکم...» بخروج و کفاح لشکر نجاج فرمان داد ابطال میدان اطمینان از کشور مقدس ایران بار دیگر همتی مردانه نمودند و در صف مقدم جنود نجات بجانفشانی پرداختند و همعنان با سپاهیان ملکوت در بلاد غربیه بفتح مدائن قلوب و وضع اساس مدنیت کبری در اطراف و اکناف دنیا همتی والا نمودند و بفرمان قائد مقتدر ملکوتی خویش «آواره»

صحاری عربستان و جبال و اتلال و دشتهای وسیعه قاره آسیا و آجام افریک گشتند و در مناطق بعیده صعب العبور در جزائر پاسفیک در قلب محیط اعظم اقامت نمودند و در تشیید و ارتفاع ارکان بیت العدل اعظم الهی در اغلب قارات و اقالیم عالم سهمی لایق یافتند .

حال ای عزیزان حق این مجمع دیده مشتاق بر آن مفتونان دلبر آفاق گشوده و با قلبی سرشار از امید و اطمینان حبیبان دل و جان را در آن خطه مبارکسه مجدداً بنصرت امر حضرت احدیت دعوت نماید... و یقین مبین دارد که پیروان ممتحن ثابت قدم جمال قدم جل اسمه الاعظم در این میدان نیز ناصراً مظفراً چوگان سعادت زنند و گوی سبقت برمایند...

...ای ناصران غیور دین الله تاریخ مشعشع امرا لله براین نکته شاهد و گواه که تفضیقات متمادیه و مشکلات مادیه هرگز مانع حرکت جوهریه آئین مقدس یزدانی نگردد و قوای قدسیه نافذه غالبه اش را از نفوذ و انتشار در هیکل امکان باز ندارد بلکه بالعکس تندباد امتحانات و مشکلات و ابتلاآت نقاب از وجه شاهد فتح و ظفر برآید و قلوب منتظره احباء الهی را بانوار و تجلیات بدیعته اش منور و مستبشر نماید زیرا میزان الهی با موازین بشری بکلی متفاوت و متغایر است .

هرچه کار صعب‌تر و موانع بیشتر آتش غیرت احبّاء
 جمال مبارک تیز تر و هرچه عزم یاران در خدمت آستانش
 راسخ تر تأییدات غیبیه مبارکه اش شامل تر و هر چه
 عنایات فائده اش شدیدتر تحقق و عود محتومه اش سریعتر
 و میعاد استقرار یاران با وفایش بر کرسی عزّت و جلال
 قریب‌تر . پس ای مقربان درگاه کبریا، در این اوان که
 کاروانهای هدایت مهیای حرکت بوادى سعادت ابدیه اند
 فرصت را دریابید بکوشید و بشتابید تا این قافله را
 سالاری کنید بدرقه راهتان تأییدات ملکوت ابهی محافظ
 خیلستان جنود ملاء اعلی مرکب رهوارتان سمند همت و وفا
 عَلم رفیعتان اسم اعظم یا بهاء الأبهی رفیق طریقتان
 خیل عشاق دلبر آفاق در اکناف دنیا منزل مقصودتان
 مدینه رضای مولای توانا اجر محتومتان سعادت دنیا و عقبی
 دیگر تا غیرت و همت شما در میدان عبودیت چه فرماید .

۴ شهر الملک ۱۲۱
 ۹ فوریه ۱۹۶۵

« چنانکه آن امناء امرالله و احبّاء عزیز الهی
 در کشور مقدّس ایران بخوبی واقف و آگاهند حفظ حرمت
 ایام متبرّکه بهائی و توقف کار و تعطیل معاهد امریه
 و موءسّسات متعلّق به پیروان اسم اعظم در ایام تسعه
 مذکوره از جمله مسائل مهمه ضروریه است که رعایتش در
 نهایت شدّت و بکمال صمیمیت و شجاعت و استقامت بر افراد
 جامعه منوره بهائیان ایران من دون استثناء واجب و لازم .
 اهمال و تکاهل و تردید و تکاسل در این وظیفه
 عظیمه روحانیّه باعث بروز نتایج وخیمه گردد و حصول
 عزّت و سعادت ظاهره جامعه اهل بها را در آن اقلیم بتأ خیر
 اندازد و دشمنان دیرین را امیدوار و متجاسر و مسرور
 سازد و بهائیان عزیز را که بر اثر مجاهدات خارق العاده
 اسلاف شجاع و جان نثار به شجاعت و استقامت و تمسک
 بمبادی روحانیّه خویش مشهور آفاقند به جبن و سست
 عنصری متهم دارد و زحمات قدیمه را بهدر دهد .
 ملاحظه فرمائید حضرت ولی عزیز امرالله با چه تاکید
 و صراحتی استخلاص و استقلال آئین نازنین را از جمله

موکول و منوط بر رعایت حرمت ایام محرمه بهائی شمرده
و یاران را تشویق و تحریض بلانذار و تحذیر فرموده‌اند
قوله عزّ بیانہ :

« مشروعات مستقلّه امریه چه رسمی و چه غیر رسمی
باید من دون استثناء متمسک بحدود اللّه و مروج اصول
شریعت اللّه باشند. تاّ سیّات مستقلّه ادبی و علمی
و تجاری بهائیان در ایران باید کلّ من دون استثناء تنفیذ
حکم کتاب اللّه را نمایند و در اجرای شعائر امریه
و احترام نوامیس الهیه و اعلاّ شأن و عزّت جامعه بر افراد
سبقت جویند و مصالح شخصیّه و منافع مادیّه و عزّت ظاهره
را فدای مصالح امر اللّه و مقتضیات دین اللّه و احتیاجات
ضروریّه شریعت اللّه نمایند اینست مایه سعادت حقیقی
یاران دعلت اصلی تقدّم و استخلاص و استقلال آئین حضرت
یزدان در آن سامان » انتهى

بیت العدل اعظم که پیوسته از وفا و صفاء و رآث ملکوت
در آن سامان مفتخر و مسرور بوده و هست از قاطب
ستایندگان اسم اعظم رجا نماید که در تنفیذ این حکم
میرم الهی بل ترویج جمیع مبادی سلیمه کریمه روحانیّه
خویش قدم همت در میدان شجاعت گذارند و هیچ امری را بر
مصالح عالیّه امر اللّه مقدّم نشمارند و در این سبیل آماده
هر نوع قربانی و فداکاری باشند ...

شهر العلماء ۱۲۲

یاران یاوران امر آئین در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند :

ای مقربان حضرت کبریا کشور مقدّس ایران مطلع
شمس حقیقت در این دور اعظم است و مطمح نظر احبّاء جمال
قدم در سراسر عالم .

ندند
یاران آن اقلیم که مقیم کوی جانانند عزیز دو جهان
و مغبوط و منظور جهانیان . در بزم انس ساقیان
جانفشانند و در حرم قدس معتکفان آستان . رافعان علم
هدایتند و منادیان امر حضرت احدیّت خدمات عظیمه
مستمرّه شان در عقود و عهود متوالیه تاریخ امر ابهی
هرگز از بسیط غیرا محو نگردد چه که قلم اعلیٰ بذکر
محامد و مناقیشان متحرک و الواح مبارکه مرکز میثاق
به تمجید خدماتشان ناطق و توابع منیره مصدر
ولایت عظمی برعلو مقامشان شاهد .

ملاحظه آنهمه موهبت و عنایت در حق آن عزیزان
و مشاهده آثار هم عالیّه مستمرّه آن یاران ایمن
خادمان آستان را مکلف و موظف سازد که خالصاً لوجه اللّه

و حفظاً لمقاماتکم فی امر اللہ بترقیم این سطور پردازد
و از قلوب صافی منیرتان استمداد جوید که توجهی مخصوص
باین اوراق مبذول فرمایند و تمنیّات این جمع مشتاق
را بسمع قبول بشنوند تا انشاء اللّٰه بامدادات غیبّیه
ملکوت ابهی کلّ دست بدست هم دهیم و در عبودیت آستانش
شریک و سهم یکدیگر شویم و بارتفاع لواء هدایتش حبّاً
لجمالہ و طلباً لمرضاتہ موفق و موید شویم .

ای یاران رحمانی عالم انسانی بشهادت تعالیٰ
بزدانی در این روزگار به ابتلاّات و انقلابات متنوّع دچار
است و بتحوّلات و تلوّّات بی‌شمار گرفتار . مبادی
سقیمه مخربه مدنیت مادیّه در اوج و اعتلا است و بشر
بیخبر از خدا در پنجه حیرت و استکبار پریشان و مبتلا .
چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمت
ضلالت مستور و بیانات مبارکه الهیه کل مبین امور .

از جمله این آیات باهرات است که تقریباً یک قرن قبل
از قلم اعلیٰ نازل قوله الاحلی :

«عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً درتزايد
و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد
نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که ذکر آن حال مقتضی
نه و مدتی بر این نهج ایام می‌رود و اذا تمّ المیقّات
یظہر بغتة ما تر تعدّبه فراش العالم اذا ترّفع الاعمال

و تغرد العنادل علی الافنان »

و نیز میفرماید قوله عزّ بیانہ :

«دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ
و آسایش اهل عالم چه که خشیة اللّٰه ناس را بمعروف امر
و از منکر نهی نماید . اگر سراج دین مستور ماند هرج
و مرج راه یابد .»

این است که الیوم ملاحظه میشود که «آسایش اهل

عالم» مفقود است و پریشانی و سرگردانی در جمیع شئون
زندگانی مشهود . در عالم سیاست و اقتصاد و تجارت
و زراعت و علم و ادب و هنر و صنعت چنان عنان گسیختگی
و هرج و مرج راه یافته که دانایان جهان از چاره‌اش
ناتوانند و از عواقب مدهشه‌غالبه اش حیران و هراسان .
علوم و فنون عصریه که خود از تصرفات آفاقیه این امر
اعظم است چون از روح الهی محروم مانده جسمی بیجان
گشته و رو بتجزی و تلاشی نهاده . رسوم موهوم و عقاید
بالیه مستولیه ادیان عتیقه که بافکار دنییه بشریه
و امیال اهل هوس ممزوج و ملوث گردیده جهانیان را بکلی
از مبادی معنویّه روحانیّه دور ساخته و مغرور و مرعوب
و محکوم تمدنی نموده که اساساً بر موازین مادی
استوار است و از تأیید نفثات روح القدس محروم و برکنار .
در این میان بشر غافل مبهوت و سرگردان نه ملجأی

یابد و نه پناهی شناسد و نه این حیات موقت را معنائی بیند لهذا دل بدریا زند لا ابالی گردد بی پروائی جوید و با شرب مسکرات و استعمال مخدرات و ارتکاب منهیات راه مستی و فراموشی سپارد و نام آن جمله را تجدد و تمدن گذارد .

بدیهی است چنین نوهوسانی مردم فرزانه را کسانی دانند که اعتقاد بعوالم الهی را استهزا کنند و دین را متعلق بادوار پیشین دانند و اساطیر اولین شمارند. نفس پرستی و تن آسانی در این جهان فانی و تنازع بقا و طمع بمال و شئون دنیا غایت قصوی و مقصد اعلا اکثر مردم این روزگار است لهذا در راه وصول این آمال هیچ منکری را منکر نگردند و هیچ شرّی را مضر نشمرند . در حسرت دینار و درهم بیقرار و در هم شوند و در کسب قدرت و ثروت و نام بهر ننگ و عار تن در دهند .

هر دمی بدامی افتند و هر نفسی پی هوسی روند . حال ملاحظه فرمائید که در این ورطه تاریک موقف بهائیان عزیز چقدر پر خطر و باریک است زیرا از جهتی بایست لطمات مستمره این سیل جارف مدنیت مادیه را مقاومت و از خود محافظت نمایند و از طرفی در آن طوفان هول انگیز قواعد قصر مشید جهان افروزی را برافرازند که ملجاء بشر سرگردان است و کافل سعادت دو جهان . مرکز مدنیت آسمانی

است و بانی وحدت عالم انسانی .

اجراء چنین وظیفه خطیره عظیمه ای ممکن نگردد جز بتأییدات ملا اعلی و این تأییدات غیبیه احاطه نفرماید جز بعزم راسخ و قیام مردانه اهل بها و این عزم و قیام به ثمر نرسد جز بعمل بموجب تعالیم مقدسه مبارکه و تمسک بذیل اطهر امرا لله . جمال قدم جل اسمه الاعظم میفرماید قوله الاحلی :

« جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است و قائد و سردار این جنود تقوی الله بوده اوست دارای کَل و حاکم بر کَل »

اهل بها که در این جهاد معنوی در ظل علم مقعود اسم اعظم وارد میدان مجاهدت گشته اند اگر از آن «جنود منصوره» یعنی اعمال و اخلاق پسندیده استمداد نجویند چگونه لشکر جرّار ظلمت و ضلالت را مقابله توانند و اگر بشرط ایمان که بفرموده مبارک «هوالتقلل فی القبول والتکثر فی العمل» است قائم نباشند چگونه در خیال جنود نجات راه یابند .

اگر تعالیم الهیه را در حیز شهود جلوه نبخشند و در حیات روزمره خویش منعکس نسازند چگونه انتساب حقیقی به سلطان حقیقت جویند و دعوی اصلاح عالم کنند .

حیف است که تقلید سیئات اهل غرب که از امراض

مزمئه ممالک متأخره است جامعه یاران آن کشور را مبتلا نماید و جامعیت و قدرت و امالت تعالیم الهیه را در حساب غفلت و ضلالت ببوشاند بلی فلم اعلی شهادت داده که «امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آنجهت جاری» لهذا یاران آنچه از کمالات و فضائل ملسل غربیه اقتباس نمایند ممدوح است و مطلوب ولیکن بشرط آنکه از حد معین تجاوز نکنند و مبادی قیمه سامیه امر اعظم را فدای تقالید سخیفه نگردانند و این انذار محبوسوب عالم را هرگز از نظر دور ندارند قوله عز بیان :

«براستی میگویم هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد . در تمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده» انتهی بلی مسلک ما مسلک اعتدال است و تمسک بذیل امر غنی متعال . و افراط و تفریط از مظاهر این تمسکدن رو بزوال و بالمآل موجب خسران و وبال ملاحظه نمائید که ماده پرستی و حرص و آز و تعقیب منافع آنی و انهماک در شهوات نفسانی عالم سیاست را چگونه جولانگاه ارباب کید و تزویر نموده و اقتصاد و تجارت را چگونه مانع تعدیل معیشت و توزیع عادلانه ثروت کرده و علوم عالیه را چگونه از محور مطلوب و سعادت و سلامت اقوام و ملسل دور ساخته و موجبات خرابی و دمار بشر را بوجود آورده و

بالآخره ملاحظه فرمائید حریت مفرطه چگونه انسان را برتبه حیوان تنزل داده و انعکاس مظاهر کریهه اش چگونه چهره شعر و ادب و موسیقی و هنر و صنعت را مکدر و منفور ساخته و تاثرات مهیبه اش چگونه بنیان خانواده را که اساس جامعه انسانی است متزلزل نموده . حتی یک نظر در امور جزئیه ثانویه از قبیل نشست و برخاست و خوراک و پوشاک و تعلق بزخارف بیمایه و تظاهر به تجملات بی پایه و تفاخر و رقابت با همسایه معلوم دارد که اساس اعتدال در جامعه بشریه بکلی مفقود است و معدوم . اما پیروان جمال مبارک که پرورده یی عنایتند باید از این عوالم بیزاری جویند آیت انقطاع و تجرید شوند و جوهر تنزیه و تقدیس مطلع صفات رحمانی گردند و مظهر سنوحات روحانی جان و وجدان را به پرتو عرفان و ایقان روشن سازند و خویشان را از جمیع مهالک ناجحاً مظفراً نجات بخشند چه که میدانند بفرموده حضرت بهاء الله جل شائنه :

« فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور کل از تراب مخلوق و با و راجع ای اهل بها زینت انسان با سیاب دنیای نبوده بلکه عرفان حق عز اعزازه و علوم و صنایع و آداب بوده ... »

آیه کریمه « کونوا قدوةً حسنةً بين الناس و صحيفةً يتذکر بها الناس » مناسب حال است و بیان مبارک « فضل الإنسان فی الخدمة و الکمال لافی الزینة و الثروة و المال » شاهد این مقال .

اگر دوستان عزیز روحانی در بحر زخار کلمات الهیه غور فرمایند البته در هر آنی با استخراج جواهر معانی توفیق یابند و بغنای حقیقی که رضا الهی و حیات ابدی است فائز گردند .

✕ مولای قدیر مهربان یاران عزیز ایران را بچنین خطاب جان پروری مخاطب فرموده قوله الاحلی :

« یاران بر گزیده ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظرس را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصایح قلم اعلی قرار دهند آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقیمانده و طی مسافت نکرده بسر منزل مقصود که تخلق باخلاق و شیم الهیه است هنوز وارد نگشته ایم پس ما که سالکان سبیل نجاتیم باید بتمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد ما با تمام طبقات نفوس در امور جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعالیم

حضرت بهاء الله را بفعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که بر کل ثابت گردد که جز قوه جامعه روح حضرت بهاء الله هیچ امری دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکند اینست یگانه اسباب نجسات و ظفر الهی »

قلم میثاق با صرح بیان و افصح کلام تکلیف یاران را چنین معین فرموده قوله عز بیانہ :

« بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان بعبرده و های و هوی و لفظ بیمعنی کفایت ننمایند بلکه بجمع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بیمعنی . و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد چون باین مواهب موفّق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار بوحانیت الهیه نه بلکه قیام به جمیع شئون و کمالات ایمان است . »

ای برادران عزیز و خواهران روحانی در ایمن
 حیات موقت فانی اگر در ظلّ ممدود امر حضرت مقصود
 نیارمیم دیگر چگونه روی راحت و آسایش بینیم اگر گنج
 ایمان را در خزانه دل محافظت ننمائیم دیگر چه غنائی
 و چه اعتباری یابیم زیرا بشهادت قلم میثاق « این
 زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و ایمن
 عزّت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی
 شود » لهذا یاران رحمانی آنچه دارند و آنچه جویند
 باید برای امر مبارک خواهند عزّت و شوکت و غنا و ثروت
 و ضیاع و عقار و علم و صنعت کلّ در نظر احبّای عزیز
 وسیله عبودیت آستان الهی است نه هدف اصلی و مقصد
 غائی اگر این مراتب و شئون در سبیل خدمت امر مبارک
 و تاسیس ملکوت الهی و خدمت عالم انسانی بکار رود زهی
 سعادت و نعم المراد والا وبال کردن است و اسباب
 گرانباری و محرومیت ملاحظه در علوم ظاهره فرمائید اگر
 از عرفان حق محروم ماند حجاب اکبر گردد و بالعکس اگر
 اصحاب علوم بمعرفت حق فائز گردند مصداق این بیان مبارک
 کردند « طوبی لکم یا معشر العلماء فی البهائم تالله انتم
 امواج البحر الاعظم و انجم سماء الفضل والویة النّصر
 بین السموات والارضین »
 ویا در ثروت ظاهره ملاحظه فرمائید که باعتباری هم

آتش سوزان امتحان و افتتان است و هم اسباب قربیت
 یزدان قوله عزّ بیانه :

« ای مغروران با موال فانیه بدانید که غنا سّدی
 است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق . هرگز
 غنی بر مقّر قرب وارد نشود و بمدینه رضا و تسلیم
 در نیاید مگر قلیلی پس نیکوست حال آن غنی که غنا از
 ملکوت جاودانی منعمش ننماید و از دولت ابدی محرومش
 نگرداند قسم باسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را
 روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین را » به همچنین سائر
 شئون ظاهره عالم امکان نیز همین حکم را دارد زهر
 هلاهل چون بمعرفت طبیب کامل بکار رود شفای عاجل گردد
 و اگر بدست جاهل افتد سمّ قاتل شود . پس پیروان
 جمال مختار باید هر ذکر و فکری را جز امر مبارکش
 فراموش نمایند و خالصاً لوجه الله در سبیل عبودیتش
 قدم گذارند و در جمیع احوال محک تعالیم الهی را میزان
 اتّم و اقوم شمارند تا خیر بینند و بسعادت حقیقی
 نائل گردند قلم اعلی میفرماید :

« ذرات کائنات گواه بوده و هست که در جمیع احوال
 عباد را بما یرفعهم امر نمودیم و از آنچه سبب پستی
 و ذلت بوده نهی کردیم .
 مقصودی جز ارتفاع کلمه الله و اصلاح عالم و نجات

امم نبوده و نیست» و نیز میفرماید :
 « باید در کلّ حین بأوامر و نواهی الهی ناظر باشند
 اوامرش حصن اعظم است از برای حفظ عالم و صیانت امام
 نوراً لمن اقرّوا و اعترفوا ناراً لمن ادبروا انکر »
 و نیز میفرماید :

« و اما ما سئلت فی اوامر الله فاعلم بأن کلمات
 حدّ فی الكتاب حقّ لا ریب فیہ و علی کلّ فرض بأن یعملوا
 بما نزل من لدن منزل علیم و من ترکہ بعد علمه ان الله
 برئ عنہ و نحن برآء منه لأنّ الأثمار الشجره هی أوامرہ
 ولن یتجاوز عنہ الا کلّ غافل بعید »

علی الخصوص جوانان عزیز که هر یوم در معرض استهزاء
 مستکبرانند و هدف تیر ملامتگران باید بجوشن ایمان
 و عرفان مجهز گردند و برتوسن اطمینان نشینند و بمیدان
 عبودیت جولان دهند . سلاح صلاح برگیرند و صلاهی علی الفلاح
 و حی علی النجاح بمسامع اهل عالم رسانند و بسیف حکمت
 و بیان و سپر تقوی و انقطاع بر صفوف نفس و هوی تازند
 و جنود تقالید و اوهام را متواری سازند و در قطب
 آفاق علم هدایت کبری برافرازند .

در این سیل امتحان تن بموج خروشان سپردن و درجهت
 آب رفتن کاری سهل و آسان است و ساخته از هر ناتوان
 ولیکن مردان دلورند که در مخالف امواج شناورند آن تن

آسانی و ضعف و ناتوانی ما را بورطه فنا کشاند و این
 دلیری و چالاکتی بساحل بقا رساند در حقّ آن آیه کریمه
 « لیس هذا مقام یدخل فیہ کلّ جبان موهوم » صادق و در مقام
 این « تالله هذا مضمار المکاشفه و الانقطاع و میدان المشا
 و الأرتفاع لایجول فیہ الاقوارس الرحمن » ثابت . آن وادی
 عدم و ذلت و پستی است و این بساط باقی و ساحت هستی .
 پسای دوستان با وفا مقام و منزلت رفیع خویش
 را قدر دانید و خلعت « و یختصّ برحمته من یشاء » را که
 فضلاً من عنده بردوش دارید بفبار آرایش خاکدان ترابی
 مکدر مسازید و گوهر گرانبهای ایمان را که ید مشیت
 رحمن در صدف آن اقلیم پرورده و ببازار جهان عرضه
 فرموده به خذف و مهره های رنگین و ظاهر فریب این مدنیت
 کاذبه مادیه مفروشید که در این معامله مغبون گردید .
 ایران بفرموده مرکز میثاق « به پرتو بخشش خداوند
 مهربان ترقی عظیم نماید و جنّة النعیم گردد بلکه امید
 چنین است که در آئینده غبطه روی زمین شود و نفعه مشکین
 ایران خاور و باختر را معطر نماید .
 کلّ آرزومند بل منتظر و مترصدیم که آثار تحقیق
 این وعود مبارکه بر اثر هم عالیه و روحانیت و نورانیت
 آن معاضدان وفادار هرچه زودتر ظاهر و آشکار گردد و باعث
 سرور و افتخار شود این است ادعیه قلبیه این خادمان
 آستان در این جوار پرانوار .

۱۷ شهر الملک ۱۲۶
۲۳ فوریه ۱۹۷۰

یاد کنیم و جهت کل طلب و رجای توفیق نماشیم کسه
انشاء الله در این ظلمتکده عالم امکان چراغان تابان شوند
و بانوار محبت اله آفاق آن اقلیم بل نقاط سائره را
روشن فرمایند .

... چنانکه کراراً مرقوم گشته احباء الله در کشور
مقدس ایران در نظر این مشتاقان فی الواقع عزیزند و
مقامشان بس رفیع آرزوی ما چنان است که مومنین نازنین
در آن سرزمین بآنچه لائق شان و مقام و منزلت روحانی
آنان است موفق گردند و در میدان عبودیت از اقـرآن
سبقت جویند ابد ابد یاس و ملال نجویند مطمئن
بتائیدات ملکوت ابهی باشند که طائف حول قائمین بخدمت
امر رب العالمین است هرچه دامنه خدمات احبا وسعت
گیرد امواج تاثیر اوجش بیشتر و خروشش شدیدتر گردد
و بالعکس اگر یاران در قبال مشکلات متقابل مرعوب
و خمود شوند از امداد جنود ملا اعلی که مستعد کفاح
و هجومند محروم مانند باید آن محفل بل جمیع پیروان
اسم اعظم در آن کشور مقدس نظر را بافق ابهی معطوف
دارند که بانوار شمس هدایت روشن است و بفضل و عنایت
جمال احدیت مزین اصل قیام عاشقانه یاران است که
مغناطیس تاثیر ملکوت رحمن است امید آنکه کل موفق
گردند و از حیات فانی ثمره گیرند . در بقاع مسوره
مقدسه آن عزیزان را مکرراً در ادعیه خیریه قلبیه

۱۰ شهر النور ۱۲۷
۱۴ جون ۱۹۷۰

« راجع بألبسه بعضی از حضرات اماء الرحمن کسه بتقلید دیگران از طریق اعتدال منحرف گشته اند مرقوم فرموده بودید فی الحقیقه حیف است که نفوس مؤمنه که امتیازشان بانتساب به شجره طیبه امراء الله است زفتار و اطوارشان مؤید و مبین آن نسبت شریفه معنویه نباشد و میان ایشان و نفوس سائره که از برکت تعالیم الهیه محروم و در بحر تقلید و لاقیدی مستغرقند دیگر امتیازی نماند بلی در این دور زمام البسه در قبضه اختیار عباد است ولیکن اهل بها به : ایاکم یا قوم أن تجعلوا انفسکم ملعبه الجاهلین انذار گشته اند مبین منصوص حضرت ولی امراء الله ارواحنا لعظمه مقامه الفدا تکلیف را بصریح بیان چنین معین فرموده قوله الاحلی :

« اما راجع به قضیه رقص و تقلید البسه نساء غرب فرمودند اول وظیفه محفل ملی بهائیان ایران در این ایام که اخلاق در آن سامان تدنی نموده و تقلید و عدم تقیّد و لامذهبی رواجی شدید یافته این است که جمهور بهائیان را از قبل این عبد کراراً و مراراً در کمال

تاکید و بنهایت صراحت تذکر دهند که تجاوز از آداب بهائی و مخالفت مبادی سامیه امریه راجع بتقدیس و تنزیه و عفت و عصمت و اعتدال در امور و اجتناب از سیئات اهل غرب و عادات مذمومه غیر مرضیه آنان تولید مفسد عظیمه در جامعه نماید و بنیه جامعه را ضعیف نماید و از رونق بیندازد بهائیان باید همت در ترویج و اقتباس از حسنات اهل غرب نمایند نه تقلید سیئات آنان امتیاز بهائیان حقیقی در این است لا غیر ... »

امیدوار چنانیم که یاران عزیز ممتحن ایران ردای تقدیسی را که در بر دارند از اوساخ اهل ارتیاب و تقلید محافظت فرمایند و افکار و قوی را متوجه امور عالیسه و وظائف معنویه کنند نه مصروف ظواهر لایفنی و لایسمن این از وظائف محافل روحانیه است که یاران را عنداللزوم از تشبه بنفوس غافله منحرفه مقلده تحذیر نمایند و بشیم و رفتاری متذکر سازند که آثار تربیت الهی در آن نمودار گردد ولیکن افراد نباید در امور شخصی یکدیگر مداخله نمایند مبادا اسباب کراه و کدورت شود باید بتذکرات کلیه قناعت کرد و اموری را که بنظر افراد اصلاحش لازم و واجب به محافل روحانیه ارجاع نمود...

۹ شهرالرحمه ۱۳۷
۲ جولای ۱۹۷۰

۱۰ شهرعالم ۱۳۷
۲۵ اکتبر ۱۹۷۰

... «اما راجع به مشکلاتی که در مکتوب خود ذکر نموده‌اید چنانکه مستحضرد در امور تشکیلات امر بدیع توسّل بمبداً صداقت و صراحت در عین ادب و محبت از وظائف حتمیه یاران است لهذا آنچه بنظر خود در رفع مشکلات و اصلاح امور تشکیلات لازم میدانند باید در نهایت درستی و راستی و خضوع و خشوع بمراجع معینه اظهار فرمایند و از این طریق وظیفه و فریضه روحانیه خویش را مجری دارند و ابداً منتظر نباشند که مراجع تشکیلات نظر شما را بپذیرند یعنی قطع نظر از رد و قبول پیشنهادهای افراد کلّ باید مطیع و منقاد رأی اکثریت محافل روحانیه باشند البته اهل بها در جمیع امور بذیل توکل و تفویض متشبثانند و در خدمات امریه حاضر بقبول قربانی و فداکاری بوده و هستند یکی از مظاهر فداکاری در خدمات امریه آن است که یاران حاضر باشند که رأی و حکم شخصی را فدای رأی اکثریت کنند ولو آنکه رأی صادره از مراجع رسمیه را بزعم خویش موافق صواب نیابند . بحمدالله آنجناب چنانکه مرقوم داشته اند باین شیوه مرضیه قائلند و اطاعت از محافل روحانیه را بر ذمه خویش میدانند و منافع شخصیه را فدای مصالح امریه میفرمایند...»

بعضی از یاران عزیز که بتقدیم حقوق اللّٰه موفقند از این هیأت پرسیده اند که اهداء تبرّعات بصندوقهای امریه با اداء حقوق اللّٰه چه رابطه و نسبتی دارد و اگر کسی به نیت اداء حقوق اللّٰه به تبرّعات خیریه جهت مشروعات سائره پردازد آیا از تقدیم حقوق اللّٰه معاف است یا آنکه حکم دیگری دارد با آنکه نصوص الهیه در این مورد صراحت دارد ولیکن چون این سؤال مکرر شده مقرر گردید که توضیحاً جهت اطلاع یاران مهربان مرقوم شود که اداء حقوق اللّٰه از فرائض دینیّه اهل بها است چه که حکمش در کتاب مستطاب اقدس منصوص است و بیانش در الواح شتی معین و مذکور هیچ موه من مخلصی که واجد شرایط معینه باشد از اداء حقوق اللّٰه مستثنی نیست حتی بنص کتاب امتناع از اداء حقوق اللّٰه بمنزله خیانت محسوب و خطاب « من خان اللّٰه یخان بالعدل » در حق این نفوس مکتوب بفرموده مرکز میثاق « محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق اللّٰه بر عباد خویش منت گذاشت و الا حق مستغنی از کائنات بوده » این حکم محکم بشهادت قلم اعلی دارای مصالح و حکم لا تحمسی

است سبب تطهیر اموال است و دافع خسران و وبال باعث نعمت و عزّت است و علّت خیر و برکت . انفاهی است که نسبتش الی الله است و خدمتی است که ممد ارتفاع امرالله اعطاء حقوق بفرموده مرکز میثاق برای امتحان موء منان است و سبب ثبوت و رسوخ ایشان در ایمان و ایقان .

مختصر آنکه حقوق الله از تکالیف قاطعه شرعیّه اهل بهاء است که طبق نصوص مبارکه بمرجع امر راجع و قرارش بفرموده جمال قدم جل ثنائیه بعد از تحقیق بیت العدل علی ما اراده الله تعیین گردد و اُحسّدی جز مرجع امر حق تصرف در آن ندارد یعنی آنچه از اموال نفوس بحقوق الله راجع و مخصوص است تعلق بمرکز امرالله دارد نه بآن نفوس لهذا یاران به تشخیص و اراده خود نباید وجوه حقوق الله را بمصارف دیگر رسانند ولو آنکه مصارف خیریه امریه باشد زیرا بنص صریح تبرعات و اعانات سائره باید بعد از تقدیم حقوق الله یعنی از اموال باقیه ظاهره که متعلق بخود اشخاص است تقدیم گردد .

امیدوار چنانیم کلّ بر این وظیفه مبارکه مقدسه که کافل سعادت حقیقیّه و موءید اجراءات عمومیّه اهل بهاء است موفق و فائز گردند واللّه غنی عن العالمین .

۱۱ شهرالمشیه ۱۲۸
۷ اکتبر ۱۹۷۱

... افراد جامعه باید بدانند که عقد بهائی البته باید در همان روزی که عقد غیر امری و یا مدنی صورت میگیرد قبل از زفاف جاری گردد زیرا جهت شخص بهائی ازدواج مشروع نبوده و نیست مگر آنکه واجبات و احکام عقد بهائی صورت پذیرد اگر از لحاظ مقررات مملکتی جهت ازدواج دو نفر بهائی عقد مدنی نیز در بعضی از ممالک واجب و قانوناً لازم باشد برای رعایت قانون مملکتی اجراء عقد مدنی نیز جائز .

و نیز در صورتیکه بهائی با غیر بهائی ازدواج نماید اجراء عقد بموجب دیانت طرف غیر بهائی نیز جائز بشرط اینکه طرف بهائی تقیه و یا انکار عقیده ننماید و مخالف اصول امری تعهدی نسپارد ولیکن هیچیک از آن جای عقد بهائی را نمیگیرد و ازدواج احباً را بموجب آئین ناز^{نین} مشروع نمیسازد . احباً باید در هر مملکتی که عقد مدنی و یا غیر امری را جاری میکنند عقد بهائی را نیز جاری سازند آن محفل باید بطرق موءثره جوانان بهائی را بحدود احکام الهی آشنا نمایند تا از این قبیل اشتباهات رخ ندهد .

اما آن محفل در مورد نفوسی که نادانسته بواسطه
عدم اطلاع از قوانین امری در خارج بعقد مدنی میپردازند
و یا بعنوان بهائی بدون تقیّه در مراسم ازدواج مذهبی
طرف غیر بهائی شرکت جسته اند میتوانند دستور عقود
بهائی را صادر فرمایند بشرط اینکه سایر شرایط لازم
امریّه کاملاً ملحوظ گردد . "

۹ شهرالشف ۱۳۱

۸ ثرانویه ۱۹۲۵

اجتماع شیرباف و فواد ارض طا ملاحظه فرمایند

ای مقیمان کوی جانان . طهران موطن مبارک جمال
کبریاست و مشرق صبح هدایت کبری . افق نور مبین است
و مطلع فرح عالمین . از ظلمات سجن اکبرش چشمه آب
زندگانی برعالم انسانی جاری گشت و از قعر سیاه چالش
یوسف طلعت سبحانی بر مسند سلطنت جاودانی نشست . کوه
پر شکوهش از صدای لبیک سرگشتگان ندای الست رنّان و پیر
طنین شد و دامن دشت و صحرایش از خون شهیدان کوی عشق
رّیان و رنگین گردید و در آن شهر بفرموده مولای نازنین :
" جنین امر بمقام احسن التّقویم رسید و هلهله
فتبارک الله احسن الخالقین و احسن المبدعین در اعلی
غرفات جنت علیا مرتفع گشت "

پسای احبای الهی شما که مقیم آن درگاهید باید از قدر
و بهای این نسبت مبارک آگاه باشید و بدانید که نفس
این منقبت و قدمت و سابقیت جمع اهل بها در ارض طا
مقتضی و مستلزم وفاست باید بچنان قیامی فائز شوید
که لایق شما و موافق با توقع اهل بها در سراسر دنیا

باشد یقین است که جامعه یاران در طهران که از اعظم و اقدم مراکز بهائی عالمند خود واقف و عالمند که از حیث تعداد و استعداد بر جمیع بلاد مقدمند و بالقوه مقتدر و توانا بر آنکه عالمی را ببرکت اسم اعظم بحرکت آرند و به تنهایی اغلب اهداف و مقاصد و مشروعات و مجهودات منظم یاران را در شرق و غرب متحقق سازند . حیفاست که آن همه طاقت و استعداد برباد رود و یا عاقل و باطل ماند . عالم تشنه تعالیم الهیه است چشمه زلال هدایت را در یک محل سدّ بستن و از جریان و سریان باز داشتن خلاف عدل و انصاف است و قحط زدگان مائده آسمانی در هر دیار در حال احتضارند رزق معنوی را باربار بیک انبار نهادن شرط مروت و وفا نیست مشک و عنبر چون بهر بوم و بر منتشر گردد دماغ پرور شود و کل را معطر سازد اما اگر در یک محل مکرر آید درد سر آرد

پس اولین وظیفه ای که اجرائش باید وجهه همت یاران طهران باشد آنکه قیام فرمایند و به تأسیس و تحکیم اساس امرالله در مدن و قراء بیل ممالک و بلاد سائیره پردازند . روزگاری بود که جمع یاران در هر گوشه ای از کشور مقدس ایران شور و نشوری داشتند و چون باستقامت فائز و به محبت و دوستی و صداقت و امانت و درستی دربین خلق محشور بودند متدرجاً حرمت و اعتبارشان در پیـش

نفوس از وضع و شریف زیاد تر میگردید و اگر بر ایمن منوال چندی دیگر میگذشت چه بسا جمهور خلائق نیز که بر اثر تلقینات کاذبه نفوس غیر مخلصه گاه تحریک میشدند و بسه آزار یاران میپرداختند چشمان باز و دلشان نرم میشد و دیگر دستخوش دسائس مغرضین نمیگردیدند و مزاحمتی نمی نمودند اما افسوس که بسیاری از اعزه احباب از ولایات و ایالات به طهران کوچیدند و سنگر را خالی نمودند نتیجه آن شد که تحلیل بنیه مادی و معنوی اهل بها در نقاط سائره مشکلات جدیدی ایجاد نمود و برجسارت دشمنان بیفزود و از سرعت ترقی امرالله و انتشار کلمة الله بکاست لهدا مولای عزیز بی همتا انذار فرمود که :

" هجرت به طهران و سکونت در آن مدینه مضر بممالح

امریه و مخالف رضای الهی در این ایام است "

بیان جمالقدم در کلمات مکنونه است که میفرماید :

" ای دوستان رضای خود را بر رضای من اختیار مکنید

و آنچه برای شما نخواهم هرگز خواهید "

دیگر تکلیف معلوم است و طریق وفا مشهود و هر بهانه ای مردود . مبادا که اشتغال بامور نالایقه و تعلقات بشئون ثانویه ما را از کسب سعادت ابدیه محروم دارد و سلب تائید نماید . در جائیکه رضای الهی نباشد آسایش جان مفقود است و آرامش وجدان معدوم محال است کسی احساس

سرور نماید و قلبش راحت گیرد زیرا آنچه متعلق بایین جهان فانی است موجب زحمت و مشقت است و عاقبت حسرت اندر حسرت مگر آنکه تحصیل وسائل و وسائط مادیّه مفتاح باب عبودیت شود و مشکل گشای ما در سبیل خدمت بامر حضرت احدیّت گردد و این نعمت حاصل نگردد مگر بانقطاع وقناعت بشهادت قلم اعلیٰ :

" مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نیوده و نخواهد بود بلکه توجّه الی الله و توّسل با و بوده این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیئی ظاهر و مشهود گردد اوست انقطاع و مبداء و منتهای آن "

و بفرموده حضرت عبدالبهاء :

" قناعت در هر موردی محبوب است حتی در تجارت مقصد سهولت معیشت است زیرا ثروت موقت است و توسیّع دائره تجارت سبب پریشانی حال و عاقبت ندارد اینست که در قرآن میفرماید لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فابتغ بین ذلک سبیلاً "

مبادا نفوس خادمه مخلصه ایکه تحسین امور معیشت یا توسیّع دائره تجارت را لازمه خدمات آتیه شمرده و باین جهات یا بدلائل دیگر موقتاً به طهران مسافرت نموده اندچنان اسیر قیود زندگانی در آن شهر پهناور شوند که دیگر استخلاصشان مشکل شود و آنچه را وسیله خدمت بامر مبارک

میشمردند خود عین هدف و مقصد گردد . پروانه جانسوخته باید حول شمع رضا پرواز گیرد نه آنکه در تار عنکبوت این دنیا بیهوده و ناروا دست و پا زند . بلبل خوشنوا باید در گلستان وفا نغمه دلنشین سراپد نه آنکه در قفس زرین ناله حزین سر دهد . باری امیدواریم که یاران عزیز طهران جبران مافات فرمایند و تا فرصت در دست است است باجرا وظائف منتظره و مهاجرت بنقاط سائره پردازند و اگر نفوسی فی الحقیقه بعلل مجبره از نعمت مهاجرت محرومند با بذل مال و ایجاد شغل و کار در ولایات و نقاط سائره نفوسی را بالوکاله باستقرار و خدمت در نقاط لازمه موفق سازند مخصوصاً نفوسی از هر ولایت که در طهران اجتماع نموده اند باید خود را مسئول تقویت وطن مألوف شمارند و بنقاطی که محافل روحانیه داشته و منحل گشته عنایت و توجه خاصی داشته و در تاسیس مجددش سعی و کوشا باشند امثال این خدمات جالب برکت و موجب حصول اطمینان و سکون و مسرت شود و الاّ جز حسرت و غم و مرارت نتیجه ای عاید نگردد عمری بهدر رود و توشه ای بدست نیاید بقوله تعالی :

" چه شبها که رفت و چه روزها که در گذشت و چه وقتها که به آخر رسید و چه ساعتها که بانتها آمده و جز باشتغال دنیای فانی نفسی برنیامد . سعی نمائید تا این

چند نفسی که باقی مانده باطل نشود . عمرها چون برق میگردد و فرقهها بر بستر تراب مقرر و منزل گیرد . دیگر چاره از دسترود و امور از شست " باری یاران عزیز با وفا در ارض طابته ناظر و شاهدند که در این ایام منادیان امر یزدان در اطراف جهان در جوش و هیجانند و کل بجان در فکر آن که در این میدان قدمی بردارند و اثری بگذارند همّتی بیارند و گوی خدمتی ببرند عزیزان حق در طهران البته کم از اقران نباشند و در این فرصت مبارک خاموش ننشینند و وظائف خود را فراموش نکنند و این مشتاقان را مایوس نفرمایند که دیده ما در انتظار شماست .

نوروز ۱۳۱

ستاینندگان اسم اعظم در کشور مقدس ایران علیهم السلام
ملاحظه فرمایند

ای عاشقان جمال ابهی و یاران و یاوران عزیز با وفا هر دم که پیروان اسم اعظم در اقطار عالم قدم در عرصه مجاهدت گذارند و مستعد هجوم بمیدانی جدید گردند دیده انتظار این مشتاقان بل جمیع بهائیان جهان متوجه یاران ایران شود که باز در این نوبت چه سمندی دوانند و چه گوئی ربایند و چه تاجی بر سر نهند که لایق شأن و مقام آن فارسان مضار وفا باشد .

فی الحقیقه یدمشیت الهیه اکلیل جلیلی بر تارک مبارک آن نفوس مقدسه نهاده که لسان جان از بیان شکر و ثنایش عاجز است . چه موهبتی اعظم از اینکه در « یوم یقوم الناس لرب العالمین » آن عزیزان نازنین از جمیع خلائق ممتاز گشتند و با جابت دعوت حق پرداختند و علم تقدم افراختند و مردانه بمیدان فدا تاختند جمععی عاشقانه جان باختند و گروهی در سنگر استقامت در نهایت شجاعت و شهامت بجانفشانی و مجاهدت مداومت دادند و چون کوه پر شکوه در مقابل طوفانهای شدید مستولی

ایستادند تا حصن حصین امرالله از تندباد حوادث محفوظ ماند و اساسش در ایران و نقاط مجاوره مستحکم گردید. و بعد در عهدیکه چراغ میثاق بی فروخت و انوار نیر آفاق بمشارق ارض و مغاربها اشراق نمود آن پروانگان بزم انقضاء بال و پری بیشتر زدند و از پیمانۀ الطاف مرکز پیمان جرعۀ ای دیگر نوشیدند و به خطبات عظیمه و القاب شامخه مخاطب گشتند. و چون صبح عصر تکوین دمید و شمس عهد و میثاق الهی در افق ولایت عظمی درخشد باز آن مختارین ملکوت از پای ننشستند و بهدایت آن لطیفه ربّانی قطع مراحل نمودند و در سبیل تحقق مدنیت لاشرقیه و لاغربیه در عالم قدمهائی بلند به پیش نهادند. بدایۀ بدالالت مولای بیهمتا اساس نظم بدیع جهان آراء را در موطن جمال ابهی فی الجمله نضجی بخشیدند و وسائط و وسائل خدمات منظم آئینده را آماده ساختند و سپس چون جهاد کبیر اکبر که از بدایع صنع مولای حنون بود اعلان گردید آن دلدادگان جمال کبریا در میادین بین المللی همعسان با یاران بلاد دیگر قیام فرمودند و در اجراء اهداف آن نقشه بدیعه سهمی عظیم یافتند و در زمره فاتحین و فائزین درآمدند همچنین اخیراً مجهودات و اجرائات یاران عزیز ایران در ظل نقشه نهساله آثار بهیسه ای در موطن جمال ابهی و ممالک متعدده در پنج قاره عالم

بوجود آورد که سبب روشنی دیده روحانیان شد حال وقت نهضت و حرکت و بعث و صولتی دیگر است و زمان زمان قیام و کفاحی جدید در میدان عبودیت لهذا در بدایت رضوان سنه ۱۳۱ بدیع نقشه پنجساله اعلان گردد و حلقه ای دیگر بر حلقات سلسله نقشه های تبلیغی مزید شود که کل باید در مستقبل ایام متدرجاً اعمده نظم بدیع الهی را در بسیط زمین استوار سازد و بالمال مدنیت ساطع الانوار بهائی را در جمیع اقطار استقرار بخشد. مقاصد و اهداف کلیه این نقشه جدید در پیام عمومی این هیئت مندرج است و آنچه در این اوراق مرقوم میگردد وظائف خاصه یاران عزیز ایران در ظل نقشه پنجساله است که انشاء الله علاوه بر مطالبیکه در پیام عمومی مذکور گشته در نهایت اتقان مجری خواهند فرمود. آنچه باید سرلوحه اقدامات آن عزیزان قرار گیرد قیامی عام و حکیمانه و منظم در تبلیغ امر اعظم است یعنی هر فرد از افراد احبا هر روز باید در فکر این باشد که چگونه هموطنان خویش را از اصول و مبادی امر نازنین باخبر سازد. باید کل مراقبت و مواظبت فرمایند تا چگونه این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را بمرحله عمل رسانند قوله الاحلی:

« الیوم باید هر فردی از افراد احبای الهی

فکر خویش را حصر در تبلیغ نماید چون چنین کنند بعد از یکسال احتیاج بمبلغ نماند خود نفوس بدون تبلیغ بشاطی بحر احدیت بشتابند ...

... باری ای یاران الهی اقلأً هریک از دوستان باید در مدت یکسال یک نفس را تبلیغ نماید اینست عزّت ابدی اینست موهبت سرمدی . «

همچنین حضرت ولی امرالله در بیانات خود اهل بهاء را تشویق میفرمایند که در هر خانه و خاندانی لااقل یکبار در هر نوزده روز محفل تبلیغی بپارایند و در این ضیافت روحانی دوستان غیر بهائی را از تعالیم و مقاصد امرالله مطلع سازند همچنین محافل روحانیه نیز باید احبای عزیز را من دون استثناء تشویق بل تجهیز نمایند که باعمال و اقوال بانتشار امرالله با اسلوبی بدیع قیام فرمایند و عمده ذکر و فکر و بحث و مشورت یاران در مجالس و مجامع و ضیافات باید بر محور نشر نجات الله و ابلاغ کلمة الله دور زند اگر چنین شود جلسات یاران روح و جان گیرد و بر سرور و وحدت جمعشان بیفزاید و اساس عرفان و ایمان و ایقان نشان مستحکم ترگردد . مقصد از تبلیغ امرالله مبارزه و مجادله و تفوق در کلام نیست بلکه باید با عزمی جزم قیام نمود و با دعا و مناجات و تخلّق باخلاق بهائی و اظهار محبت حقیقی نسبت به جمیع نفوس

بلسان شفقت در عین اعتدال مقاصد امر حضرت ذوالجلال را برعالم و عالمیان معلوم و مکشوف ساخت . نظر به اقبال و عدم اقبال نفوس نباید کرد و اگر هم کل بمرحله ایمان نرسند مأیوس نباید شد زیرا هر چه بیشتر نفوس غیرآشنا از مقاصد مقدسه اهل بها باخبر شوند و تجلّی مبادی سامیه الهیه را در حیات و معاملات یومیه آنان ملاحظه نمایند تأثیرات مفیده اش البته در جامعه یاران انعکاس پذیرد و رافع و دافع موانع عدیده گردد و استخلاص و استقلال امر بدیع را تسهیل و تسریع نماید چه بسا مشکلات مستولیه حالیه بر اثر این است که یا نفوس بکلی از امر مبارک بیخبرند و یا اطلاعاتشان صرفاً مبتنی بر مفتریات دشمنان بی انصاف است اگر در این سیل اهل بها نیز خاموش نشینند و بکلی بخود و امور خویش مشغول باشند دیگر چه کسی رفع سوء تفاهم کند و چگونه مقاصد خیریه عالییه امر بهائی بر دیگران معلوم شود نظر باین بیان مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا لعظمة مقامه الفدا اندازند که میفرمایند :

« ... باید اقدام نمود و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد ایام گوشه نشینی و سکوت و خموشی گذشته باید از زاویه خمول در آئیم و درمیدان وسیع قدم گذاریم و مباشرت بعمل نمائیم . مقصود این

نیست که حکمت را فراموش نمائیم و پرده دری نمائیم و از حد اعتدال خارج گردیم و بمخالفت اصول و قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنین نمایند." و در مقامی دیگر میفرماید :

" ... الیوم تبلیغ بشرايط مدونه در السواح اول فریضه هر نفسی است که خدمت بعتبه علیا را طالب و آمل باشد و بهترین اسبابی است از برای هر مشتاقی که مشاهده اشتعال عالم را بنار موقده الهیه آرزو نماید بگرات و مرات از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی اساسیه و تعالیم اصلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی رؤس الاشهاد اعلان و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص به طالب مستعد بهمان اسلوب بدیع و لحن جدید و ترتیب کامل که موافق و مطابق مشرب عالم است القا گردد چندی نگذرد که مستمع منقلب گردد و نور ایمان در قلبش پرتو افکند . "

بدیهی است موفقیت در این سبیل موکول بر این است که نصائح و تعالیم جانفزای امر الهی بر جمیع شئون حیات ما پرتو افکند چه که بفرموده مبارک :

" ... چشمهای عالمیان الیوم از وضع و شریف ناظر به بهائیان تا از اعمال و اخلاق این بندگان پرتو نور خوی حضرت عبدالبهاء بینند و از اطوار و حرکاتمان

نتایج و آثار آن قوه مودعه در کلمات الهیه مشاهده کنند و الا گفتار ثمری نبخشد و هر خدمت و اقدامی بالمآل از تأیید غیبی و پیشرفت و تأثیر دائمی کلی ممنوع و محروم گردد گفتار را رفتار و کردار لازم و کردار را همت تبلیغ و سعی مستمری شرط و واجب . جز جهد جهید و سعی موفور و استغاثه و استعانه و استمداد از رب غفور راهی نه و واسطه ای نیست . "

اما جوانان عزیز بهائی فرصت بسیار مبارکی در پیش دارند و تا سبکبارند باید رهسپار سبیل خدمت گردند اگر به اکتساب علوم و فنون عالییه نافع مشغولند یا بشغل و صنعت و اقترافی مألوف باید در همه حال مقصد اعلایشان تقدیم خدمتی به آستان یزدان باشد . سنیسن اخیره شاهد مجهودات جمیله و توفیقات بدیعه جوانان در شرق و غرب جهان بود از مهد امرالله نیز جمعی از آن نهالان بوستان حقیقت در گلشن عبودیت ببالیدند و باعث فخر و مباهات کل گشتند بعضی تحصیل و مهاجرت را با هم قرار دادند و در هر دو موفق شدند و برخی جهت تبلیغ و تشویق باسفاری طویل المده پرداختند و عده ای قبول شغل و کسب قلیلی را در میدان خدمت ارجح بر فراش راحت و مشاغل بهتر شمردند و از این راه انقطاع خویش را اثبات فرمودند و یقین است نفس موفقیت گذشته بهترین

مشوق آن عزیزان در قیام و مجهودات آئینده خواهد بود .
 اما از وظائف مهمه اولیه جوانان عزیز بهائی آنکه
 باید در بحر آثار و معارف امریه مستغرق شوند و هر
 روز لااقل دقایقی از حیات خویش را مرتباً منظمأ مصروف
 تحصیل و مطالعه الواح و آثار مبارکه نمایند تا ببرکت
 آن نسائم روح بخش مرآت قلوبشان از غبار عوارض مستولیه
 این مدنیت مادیّه مصفا و پاکیزه گردد و قابل تجلیّی
 حقائق مکنونه مودعه در آیات نازله و صحف قیمّه شود
 اگر چنین شود جوانان عزیز که محاط به امتحانات عدیده
 و در معرض آفات شدیدند اند محفوظ ماننند و چگون
 بفصل الخطاب آیات متمسک شوند و آن میزان اتم اقنوم
 را معیار تشخیص و فهم و ادراک خویش قرار دهند
 دیگر گوش و هوش را از هممه الفاظ فریب و دمدمه
 مکاتب عجیب و غریب فلاسفه مادیه که مولود این تمدن
 رو بزوالند فارغ سازند و چون نفوس غافلّه نجات قافلّه
 را از نجوم آفله نجویند و بانگ جرسی را که در این
 صبح صادق هدایت از آن کاروان گمگشته صحرای غفلت
 برآید هرچند پر طنین و بلند یابند لایق اعتنا نشمرند
 چه که گوش جان نشان مفتون تغنیات بلبلان الهی است که
 بگلبنگ روحانی درس مقامات آموزند و راحت جان بخشند.....

... ای یاران میدان مجاهدت مفتوح است و تائید جنود
 ملا اعلی محتوم و سپاهیان ملکوت مستعد کفاح و هجوم .
 نظر به ضعف و ناتوانی خود و شدت موانع متقابلّه فرمائید
 شمع منیر اگر چه حقیر است بزم افروز است و آتشی
 سرکش هرچند شدید است خرمن سوز . به وعود مصرحه
 در آیات الهیه مطمئن باشید و نظر به الطاف جمال ابهی
 فرمائید که بصریح بیانات مبارکه عنایاتش قطره را موج
 دریا دهد و ذره را اوج ثریا بخشد مور نحیف را جلال
 سلیمانی عطا فرماید و پشه ضعیف را عقاب آسمانی
 سازد همت کنید قیام فرمائید که دور دور شماست و شاهد
 مقصود در انتظار شما و طوبی للفاضلین .

برادرانِ خواهرانِ عزیز روحانی
در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

۷ شهرالقول ۱۳۳
۲۹ نوامبر ۱۹۷۶

ای بندگان جانفشان درگاه الهی

چندی است که هر روز از آن کشور جهان افروز بیک
بشارتی میرسد و نسیم عنایتی میوزد که شمیم مشک بیزش
بشیر همت آن یاران عزیز است و موهبید آن که الحمد لله
در جمع خویش اخیراً شوری انگیزه اند و طرحهای بدیعی
ریخته و علم مجاهدتی افراخته که هنوز چند صباحی
نگذشته اثراتی بر جای گذاشته و جالب تائیداتی گشته
که خود اعظم مشوق آن دوستان قدیم در خدمت به امیرالله
و عبودیت آستان الهی است. لهذا آروزی دل و جان این
مشتاقان چنانست که این حرکت بدیعه شوقیه که در این
ایام در انجمن یاران در ایران مشهود افتاده تعمیم
پذیرد و تقویت یابد به نحویکه نفسی نماند مگر آنکه
در سبیل انتشار کلمه الله حرکتی نماید و در تحقق هدف
و مقصودی در ظل هدایت محافل روحانیه قدمی گذارد و دست
بکاری زند و طریقی را سپرد که موافق با امکانات او
و مقتضیات زمان و مکان باشد. قلم اعلی احدی از

بندگان با وفایش را مستثنی ننموده و مخاطباً للکمل
میفرماید:

" بگو ایدوستان امروز باید کل بشأنی
از حرارت محبت الهی مشتعل باشید
که اثر حرارت آن در جمیع رگها و اعضاء
و اجزای شما ظاهر شود تا جمیع اهل
عالم از این حرارت مشتعل شوند و بافق
مقصود توجه نمایند و کل را وصیت
مینمائیم بعمل ما انزلناه فی الکتاب
باید جمیع بطراز اخلاق الهیه مزین
شوند و به آنچه سبب ارتقاع امیرالله
و اعزاز نفوس است عامل گردند." انتهی
بلی اگر اشتعال نار محبت الله خواهیم باید به تلاوت
آیات و مناجات و مطالعه آثار پردازیم و به برکت
کلمه الله که چون باران معرفت از سحاب رحمت الهیه
فیضان فرموده نهال قلب و روح را تر و تازه کنیم و
از نفحات وحی زنده شویم اینست که قبلاً مکرراً از آن
عزیزان رجا گردید که هر یک چه انفراداً و چه جمعاً از
سرچشمه جانبخش معارف روحانیه هر روز بنوشند و بر عرفان
و ایقان خویش بیفزایند و آنچه را در کتاب اقدس
از سماء مشیت نازل گردیده مجری دارند و بعهد خدا

وفا کنند قوله الاحلی :

" اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء "

ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه "

ای عزیزان حق حال که بیمن دولت ایمان کلید گنج سعادت برایگان داریم باید شکر این نعمت گزاریم یعنی لثالی درخشان آیات و تعالیم و وما پای مبارکه را نثار نجات عالم و ترقی و رفاه بنی آدم کنیم نه آنکه آن ثروت بیکران را عاطل و باطل در هزینہ دل پنهان نمائیم و مستمندان غنای روحانی را محروم و درمانده گذاریم لهذا تبلیغ امرالله و انتشار کلمة الله از اعظم فرائض اهل بها من دون استثناء است هرکس حتی طفل صغیر یا پیر زمینگیر نیز میتواند قدمی در راه تبلیغ بردارد و خدمتی را تعهد نماید بارها به تجربه رسیده که بسا طفلان خردسالی که تربیت روحانی یافته و در سادب و اخلاق آموخته اند به جذب و تقلیب معلم و دوستان دبستان و والدین ایشان قادر گشته اند و چه بسا جوانان مذهب نیک خصالی که بحلیه ایمان و تقدیس آراسته و از شئون هوی و ارسته اند در هدایت همسالان سرگردان خویش که اسیر نفس یا طعمه دام هر نوهوسند توفیق یافته اند و از آن بالاتر با سبکباری و اوقات فراغتی که در هنگام تحصیل یا بعد از اتمام آن دارند بخدمات عالیہ باهره ای

در سبیل اجراء اهداف نقشه های محافل روحانیہ پرداخته و جامعه ای را سر بلند ساخته اند مقصود اینست که هر یک از دوستان رجالاً و نساءً در هر مقام و بهر سن و سال باید در این سبیل جلیل همّتی نمایند و راه خدمتی یابند بهانه ای نتراشند و از کسی نهراسند و نگویند که اهل استعداد مفقود است و گوش شنوا مسدود تا خود ندائسی بر نیآوریم سمع قبول از کجا یابیم چراغ بی نور در ظلمت دیجور چگونه جاذب پروانه مهجور گردد باید اول خود برافروزد تا از ظلمت کاشانه ای بال و پر پروانه ای پدیدار شود پس باید شهسواران میدان وفا باشیم و در میدان شجاعت شمشیر حکمت و بیان را از نیام تردید و تأمل برآوریم و به امدادات جنود ملاء اعلی بر صف عالم زنیم و از هیچ مشکلی که لابد در مقابل آید آزرده و خائف نگردیم شمع ضعیفاست که به بادی افسرده و خاموش شود باید کوره نار شد تا باد علت اشتعال شود و فلز قلوب جامده را ذوب نماید ترس ما باید از این باشد که مبادا از تبلیغ امرالله غفلت کنیم باید انذار مرکز میثاق را همواره بیاد آوریم که میفرماید :

" اگر تبلیغ تأخیر افتد بکلی تأشید منقطع گردد "

زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ احبای الهی تأشید یابند . در هر صورت باید تبلیغ نمود ولی بحکمت

اگر چهاراً ممکن نه خفياً بتربیت نفوس پردازند و سبب حصول روح و ریحان در عالم انسان شوند . "

مقصود از تبلیغ امرالله بشارت بظهور ملکوت ابهی است اثتلاف قلوب است رفع تعصبات جاهلانه است ایجاد سرور و سعادت است القاء سکون و اطمینان در ضمیر و وجدان نفوس است پرده دری و مجادله در کلام و مشاجره و غلبه جوئی در بیان و مناظراتی که از حرف ابتدا و بحرف انتها یابد و باعث حزن شود و استیحا ش نفوس را شدیدتر نماید شأن احبا نبوده و نیست قلم اعلی میفرماید :

" طوبی از برای نفسیکه ناس را از دریای بیان رحمن بنوشاند من دون آنکه بکلمه ای تکلم نماید که سبب اعراض و اعتراض شود . "

انسان باید بکمال خلوص نسبت به نفوس محبت قلبی داشته باشد و از روی محبت القاء کلمه نماید نه جهت رفع تکلیف . حتی باید در حق نفوس غافله و طالبان حقیقت دعا و مناجات کرد و از درگاه کبریا رجا نمود تا فضلش را شامل گرداند و قلوب را از زنگار اوهام و غبار تعصبات پاک فرماید و لایق قبول انوار شمس حقیقت سازد اینست شرط موفقیت و اینست لازمه قیام در سیل انتشار امر حضرت احدیت .

باری آنچه در این ایام باید سرلوحه اقدامات باران ایران باشد چنین است که با قیام عاشقانه در راه تبلیغ

و مهاجرت جمیع اهداف داخله مخصوصاً تأسیس محافل روحانیه را در سراسر آنکشور نیک اختر هرچه زودتر بانجام رسانند الحمدالله احباء عزیز ایران در مهاجرت خارجه توفیقات عظیمه یافته و اکثری از اهداف خویش را تحقق بخشیده و معدودی را که باقیمانده و یا اهداف جدیده را نیز با قیام نفوسیکه حاضر و آماده اند البته مجری خواهند داشت اما این مجهودات بلیغه در میادین خارجه نباید بقیمت اهداف داخله باشد بلکه بر عکس ایران که موطن جمال ابهی است و منظور نظر بهائیان در سراسر دنیا باید از هر حیث ترقی نماید . یاران ایرانند که باید در تقدم و تعالی آن سرزمین مقّـدس پیشقدم باشند و مواهبی را که بعنایت الهی یافتـه و برکتی را که در کسب و کار حاصل کرده اند از جمله صرف آبادی و آبادانی آنکشور روحپرور فرمایند اگر سایرین منحصراً بانتفاع شخصی که اکثراً مستلزم اقامت و تجارت در نقاط کثیرالجمعیت است مشغولند اهل بها که بمبدأ اعتدال متمسک و در فکر خدمت به خلـق علی الخصوص به هموطنان جمال مبارک اند باید به نقاط مهجوره که احتیاج مردم شدید است توجه فرمایند و حتی القو با محبت خالص و رعایت کامل و استقامت تمام بخدمت پردازند و حفا را به وفا مقابله کنند به نحویکـه

وجودشان در هر نقطه اسباب ظهور برکات مادیه و معنوییه گردد . اگر چنین گردد چیزی نگذرد که محبوب القلوب اهالی شوند و بظاهر ظاهر محترم و آسوده خاطر گردند . اگر احباء عزیز بقصد خدمت به خلق با زاد استقامت و سرمایه محبت و سلاح انقطاع و شجاعت در عین حکمت و استقامت به اطراف حرکت و به نقاط لازمه مهاجرت فرمایند البته البته هر مانع و رادعی از پیش راهشان برخیزد و دیگر تفتین مفسدین و اکاذیب معاندین که حربه ضعیفان است از کار بیفتد بلکه برعکس نتیجه بخشد و خلافت امرالله که مقلب قلوب و وسیله ظهور کمالات انسانی و بروز سنوحات رحمانی است برکل ثابت و مبرهن شود و نفوس غیر بهائی ولو مومنان نگرددند خاضع شوند و ستایش بهائیان نمایند حتی در هنگام ضرورت حمایت یاران کنند و مقاومت اهل عدوان نمایند ولیکن قیامی عام باید تا چنانکه باید و شاید نتیجه مطلوب حاصل شود بحمدالله افراد یاران و محافل روحانیه و حضرات مشاورین و معاونین و مساعدینشان کل در ایام متحداً متفقاً بقیامی عظیم پرداخته و در ایام مجاهدت ظهیر و معین یکدیگر گشته اند شکی نبوده و نیست که این اتفاق و اتحاد و این همت والا جاذب فیوضات ملائکه اعلی شود و طلپعه فتوحات باهره آئینده گردد آرزوی شدید این بندگان آستان چنانست که یاران عزیز ایـران

چون بحر رحمت بجوشند و چون سحاب عنایت بخروشند تا پرتو نیر آفاق در وثاق هر مشتاق افتد و کوکب آمالشان از افق سعادت ابدی بدرخشد و جمیع عاقبت بملک عافیت درآیند و بر مسند عزت موعود نشینند .

در این ایام که احباء عزیز الهی در هر گوشه از آنکشور مقدّس بنشاطی جدید قیام بر خدمت امر رب مجید نموده‌اند و در خیل عاشقان جان بر کف صاف بسته مستعد ورود بکسوی سعادت گشته‌اند تقاضا آنکه آن امناء امر الهی بواسطه نمایندگان انجمن شور روحانی بیاران رحمانی در سراسر آنکشور ابلاغ فرمایند که از عزم راسخ و وحدت کلمه و توحید مساعی جمیله بیاران که در چند ماه گذشته مشهود افتاده و مغناطیس تاثیرات ملاء اعلی گشته این جمع مشتاق قریب سرور و امتنان است. هر توفیقی که نصیب جامعه ثابت ممتحن عزیز ایران شود قدر و اهمیتی بیشتر دارد چه که اهل بها در کشور مقدّس ایران در جامعه بهائی عالم مقامی مخصوص داشته و دارند و چون قیام بر عبودیت آستان الهی فرمایند نتایج خدماتشان در جمیع اقطار عالم بهائی ظاهر گردد زیرا بشهادت قلم مرکز میثاق:

" ایران که مطلع طلوع صبح هدی است و مشرق شمس حقیقت جمال ابهی باید از جمیع اقالیم برتری جویید و شعله نار محبت الله شدیدتر زند از ایرانیان بسائر جهات جذب و وله و شوق و طرب سرایت نماید زیرا شبان حقیقی در بدایت آن اغنام را در ظل تربیت آورد ایمن

سبقت باید سبب قوت و قدرت گردد و علت ازدیاد همت شود " این " ازدیاد همت " که منصوص بیان مبارک است باید در وهله اولی در میدان تبلیغ مشهود افتد یعنی چسه نیکوست که یاران با توجه به ملکوت ابهی و تبتل و تضرع بحضرت کبریا و تلاوت و مطالعه مستمر آیات الله و تمسک بذیل تسلیم و رضا خلق و خوی نیکان یابند و رنگ و بوی پاکان گیرند و در حسن شهرت و علو همت و خلوص نیّت در پیش بیگانه و خویش ممتاز گردند. در چنین حالی چون بشارت به ملکوت الهی دهند و هموطنان جمال مبارک را با محبت و حکمت همدم و همنشین شوند و ابلاغ کلمه نمایند البته تاثیر شدید نماید و درهای بسته گشوده گردد و پیردها از پیش دیده ها زدوده شود لهذا تقویت اساس امر الله در آنکشور فرخنده اختر باید مورد کمال توجه و سرلوحه اجرائات و اقدامات آن عزیزان باشد ...

... خلاصه آنکه مجهودات عموم در ایران باید از جهتی متوجه تقویت بنیه جامعه داخله یاران گردد و از جهت دیگر در جامعه غیر بهائی با ابلاغ کلمه الله و قیام در نشر نفعات الله و محبت و رعایت و معاضدت و مواظبت، قلوب نفوس سلیمه را مجذوب دلبر آفاق نمایند و تعالیم آئین نازنین را گوشزد قاطبه مردم آن سرزمین سازند چه که نفس اطلاع بر مقاصد عالیّه خیریه عمومیه امر الهی

از طرف جم غفیری از هر طبقه از طبقات اجتماعی ایران سبب تقلیل تعصبات و تخفیف مشکلات و ممهّد سبیل جهت طلوع عزّت امرالله گردد اگر چندی بر این نمط مداومت دهند زمانی برسد که مردم آنکشور و لو مؤمن نگردند بفرموده مرکز میثاق :

" اندکی اگر ملاحظه کنند و بحقیقت پی ببرند واز حمیت جاهلیه بگذرند و دل و جان را از تعصب شدید رهائی بخشند عموم اهل ایران بشکرانه پردازند که الحمدالله این افق تاریک را آفتابی درخشنده طلوع نمود این ایران ویران را الطاف بی پایان جلوه نمود این کشور گمنام را قبله آفاق کرد ... زیرا شمس حقیقت از این نقطه درخشید و الیوم در افریک و امریک و حدود و ثغور ترک و تاجیک در قطعات خسته عالم شلیک یا بهاءالاهی بلند است ایران مرکز انوار گردد این خاک تابناک شود و این کشور منور گردد و این بی نام و نشان شهیر آفاق شود . "

و در بیانی دیگر چنین فرماید :

" سروران اهل ایران اگر بدانند که خداوند چه موهبتی در حق ایشان فرموده البته از وجد و طرب پرواز نمایند و بشکر الطاف الهیه دمساز گردند . "

بلی آگاهی " عموم اهل ایران " و " سروران " کوی جانان از امر حضرت یزدان وظیفه مبارکه ایست که بر دوش

آن عزیزان نهاده اند چون اقدامات مجدّانه یاران در داخل ایران مزید بر اجرائات متعدده مبارکه مشکوره آنان در میادین بین المللی گردد از هر جهت باعث حصول برکت و تائید حضرت احدیت شود .

امیدوار چنانیم که آن بندگان وفادار جمال گردگار دو سال بقیه نقشه پنجساله را به اقدام همت سربعاً کاملاً مطمئناً طی کنند ...

تا انشاءالله گوی توفیق بهد فرسد و غریب تحسین و تمجید پیروان اسم اعظم در سراسر عالم نصیب آن اصحاب وفا گردد و کلّ را شاکر گرداند که الحمدالله هموطنان جمال مبارک باز در هوای خدمت پروازی گرفته اند و برشاخسار همت بنگمه و آوازی دمساز گشته اند که از حلاوتش مرغان چمنستان حقیقت به اهتزاز آیند و ششور و نشاطی تازه یابند .

اجبا، عزیز الہی در بلاد غربیہ ملاحظہ فرمائید :

ای هموطنان جمال مبارک این چه مرتبتی است و این چه فضل و موهبتی که منسوب به آستان مقدس و ببرکت این نسبت بهر نعمتی مخصّص . از شهر جانانیم و شمع شبستان یزدان . بی نام و نشان بودیم شهره جهان گشتیم مفقود و بینوا بودیم عزت جاودان یافتیم . و ایمن از وعود الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و بفرموده مرکز میثاق :

" در هفت اقلیم آهنگ سیوح قدوس رب الملائکة والروح بلند گردد و خیمه وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود ... شرق و غرب با یکدیگر عشق یازد و بانس والفت پردازد و این مژده گوشزد آفاق گردد و این اشراق خاور و باختر را روشن و متّور نماید . "

ای یاران در این صبح نورانی که انوار اولیّیه آن وعود الهیه بر بلاد غربیه تابیده و امرالله در ممالک متمدنه متعدده استقرار پذیرفته الحمد لله احبای عزیز ایران در آن سامان بر مسند عزت نشسته اند و شمع انجمن روحانیان گشته چه که شجره وجودشان در موطن اسم اعظم

بالیده و نیسان فضل الهی بر شاخ و برگشان باریده لهذا مقبلان نورسیده در آن بلاد کل دیده بر ایشان دوخته اند تا در وجودشان آیت جلال و جمال و نشان عزّ و وقار دوست ملاحظه گردد لهذا حفظاً لمراتبکم و مقاماتکم این جمع مشتاق خود را موظّف میدانند که آن یاران ارجمند را به تذکر نکاتی چند مخاطب سازد .

اول امریکه باید آن عزیزان منظور فرمایند آنکه بهر مقصد و بهر جا که رفته باشند باید فکر و ذکرشان در وهله اولی اعلا کلمة الله و خدمت امرالله باشد و شئون دیگر چون کسب و تجارت هر چند بحد اعتدال لازم و مفید است ولیکن نباید مقدم بر مقصد اعلی و عبودیت آستان جمال ابھی محسوب گردد والا چه فایده که انسان از کشوری بکشوری صرفاً در پی راحت و آسایش رود یا بجهت مقاصد و مصالح شخصیه دیگر اقامت جوید و عمری را بغیر رضای حق بگذرانند و چند روزه حیات را مصروف خور و خواب سازد و در پی سراب رود و از کسب سعادت ابدیه محروم ماند تجارتی که خسارت ندارد عبودیت آستان مبارک است متاعش عشق جانان است و سرمایه اش نقد دل و جان است و بازارش سعادت دو جهان . خریدارش طالب حقیقت است و سود شایگانش رضای حضرت احدیت و چون با چنین نیّتی حرکت نمایند و قدم در میدان نهند باید بدانند که مقتضیات

این کشورها در بلاد غرب از اکثر جهات با مقتضیات محیط ایران تفاوت شایان دارد نباید انتظار داشته باشند که مردم ممالک دیگر چه بهائی و چه غیر بهائی طرز فکر و آداب و رسومشان عیناً موافق و مطابق مردم ایران باشد اگر اهل ممالک دیگر را با موازین خویش که مخلوق محیط و طبیعت مخصوصی است قیاس کنند البته ناهنجار و ناملایم افتد . پس باید بهر جا که سفر نمایند و استقرار جویند مقتضیات محل را در نظر بگیرند و سعی نمایند که خود را انطباق با مقتضیات جدید دهند که مبادا نادانسته کاری شود که باعث استیحا ش نفوس گردد . البته امر مبارک در مبادی عالیّه کلیه در همه جا یکسان است ولیکن در شئون ثانویه و آداب و رسوم قومیه مردم هر دیار متفاوتند یعنی در امر الهی وحدت در کثرت باین صورت جلوه نماید که اهل بها در اصول کلیه متحد و در فروع ثانویه متنوع و متفاوت باشند .

باغی که در ظل یک باغبان ماهر پرورش یابد و از رشحات یک سحاب تازه و شاداب شود و از یک جویبار سیراب گردد آرایش بگل‌های رنگارنگ و اشجار گوناگون است . لهذا اگر رابطه خویش را با جامعه های بهائی آن ممالک بر چنین اساسی قرار دهند نکته چینی و خرده بینی که آتش حرارت جامعه ایرا بیفسرد فراموش شود و بسیاری

مشکلات که مولود اصطکاک و تضادهای غیر ضروری است مرتفع گردد .

نکته مهم دیگر آنکه در بعضی از موارد احبای عزیز ایرانی که وارد جامعه های دیگر میگردند متوجه نیستند که در این عصر تکوین امر مبارک در بسیاری از ممالک در شرف تأسیس است و بحکمت الهی و با و امر صریحه مبارکه بعضی از احکام کتاب الله که فعلاً در ایران و بلاد شرقیه مجری است هنوز وقت اجرائش در ممالک مغرب زمین نرسیده از این جهت از احبای نورسیده غربی توقع مالا یطاق داشتن و باب ملامت برویشان گشودن مخالف دستورات مبارکه است اصولاً یاران طبق تعلیمات مبارکه نباید پاپی نفوس شوند و دخالت در امور شخصیه یکدیگر نمایند بلکه باید با حلم و مدارا و خطا پوشی و محبت و صفا با یکدیگر معامله نمایند مظهر رأفت کبری باشند و به لسان شفقت جذاب قلوب اصفیا گردند . همچنین باید از هر امری که عمومیت آئین نازنین بهائی را مستور دارد احتراز فرمایند زیرا امر مبارک شجره لا شرقیه و لا غربیه است و اختصاص به اقلیمی و قوم و طایفه ای ندارد و باید اصالت و جامعیت آن بر کل واضح و هویدا باشد .

لهذا یاران ایران علاوه بر مساعی جمیله شخصیه خویش در بلاد خارجه باید مشوق یاران غربی و محلی در خدمات

تبلیغی و اداری باشند و آنانرا ترغیب نمایند و به پیش اندازند و خود حتی المقدور در پس پرده به تمهید وسائل و تسهیل امور پردازند یعنی چون نسیم صبا باشند که ناپیدا و پنهان است ولیکن باعث جنبش باغ و بوستان .

دیگر آنکه چون مقصد اصلی از اقامت در ممالک خارجه خدمات امرالله در آن ممالک باشد البته احبای عزیز ایران حتی الامکان از جمع شدن در یک نقطه پرهیز نمایند شمع روشن اگر در یک انجمن بدرخشد نور و حرارت بخشد و اگر چند شمع در یک جمع کنار هم بسوزند یکدیگر را ذوب نمایند و اشک حسرت ریزند و انوارشان بهدر رود و قامتشان خمیده گردد .

بارها به تجربه رسیده که در محافل و مجامعی که عداً غلبه با ایرانیان است چه بسا مشکلاتی روی دهد و کار تبلیغ را به تعویق اندازد و حال آنکه هر محفلی یا ضیافتی یا جلسه ای که در آن صفحات تشکیل گردد در وهله اولی متعلق به اهل آن مملکت و برای خدمت بمردم آن کشور است پس اولاً باید کوشید که جز در موارد استثنائی که محافل ملیه هر کشور موقتاً جهت تشکیل محفلی یا بعزل دیگری اجتماع چند عاثره ایرانی را در یک نقطه جایز دانند از اجتماع در یک محلی بپرهیزند .

و ثانیاً ولو معدودی از احبای محلی در مجلسی حاضر باشند

که اکثریت با ایرانیان باشد باید جمیع آن مجلس و محفل را حول نفوس محلی دوران بخشند و خود را فراموش نمایند و چون شهد و شکر در مجامع یاران هر محل بیامیزند بنحویکه بینونتی میان ایشان و احبای محلی نماند .

دیگر آنکه موقف یاران در آن بلاد در مورد تربیت اطفال و جوانان بسیار دقیق است زیرا از طرفی آرزوی هر پدر و مادر بهائی ایرانی آنکه جگر گوشگان با لسان الواح مبارکه آشنا باشند و با قلت وسائل به تعلیم زبان فارسی همت گمارند و از طرف دیگر در محیطی که غالباً ماده پرستی و لا مذهبیه حاکم گردیده بایستد اطفال و جوانان را بروح ایمانی پرورش دهند و آنانرا محافظت فرمایند در این سبیل باید متوجه باشند که هم تعصب و تمسب که رائج در بسیاری از جوامع شرقی است مذموم است و هم حریت مفرطه که مابۀ الابتلاء اکثر مردم مغرب زمین است مقدوح . باید یاران علی الخصوص جوانان خلق بدیع شوند و از مضرات عادات و افکار مفرطه شرق و غرب هر دو در کنار باشند بالعکس آداب ممدوحه هر یک را اقتباس نمایند و بفضائل و مکارم اخلاق بموجب تعالیم الهیه متخلق شوند تا کل شهادت دهند که بهائیان از هر کشور و در هر جا که باشند از دیگران ممتازند باید چون شجره طیبه در حدیقه وفا چنان ریشه دوانند

که از گزند باد و طوفان در امان باشند و الا چون برگ
 خزان ناتوان بودن و دستخوش هر باد که از شرق یا غرب
 وزد گردیدن شأن نونهالان بوستان حقیقت نیست بایستد
 بهر وسیله تشبث جست تا انشاء الله یاران ایران
 علی‌الخصوص جوانان بهائی ایران در آن کشورها محفوظ
 مانند و در عین تقدّم و تمدّن علم تقدیس افرازند و بموجب
 ناصح قلم اعلی رفتار نمایند .

ای عزیزان حق امید چنانست که هر یک سبب نورانیت
 کشوری گردید و در خدمت و عبودیت آستان الهی پیشقدم
 باشید و بر دیگران سبقت بگیرید و طریق همت بپیمائید
 و به ثبوت رسانید که کرم و سخا و بزرگواری از خصائل
 ذاتی آن عزیزان است و همت و جانفشانی و فداکاری میراث
 روحانی اهل بها در کشور مقدّس ایران .
 اینست انتظار و آروزی ما بل جمیع اهل بها
 از آن یاران باوفا .

۹ شهر العشرة ۱۳۵
 اکتبر ۱۹۲۸

پیام بیت العدل اعظم خطاب به پیروان جانفشان جمال قدم جل جلاله در کشور مقدّس ایران

ای پروردگان مهد هدایت کبری عالم امکان منقلب
 است و اهل عالم هر آن بمصیبت و بلائی جدید گرفتار .
 آتش‌فتنه در جهان برپاست گاهی بر خاور زند و گه‌گی
 بر دامن باختر آویزد . زمانی در کشوری شعله زند
 و وقتی قوم و قبیله‌ای را در کام کشد . خلق بیچاره
 ندانند که این آتش از کجا خیزد چه که اعمار اهل
 ضلال از دود غفلت و استکبار مرمود است و راه چاره
 نزدشان مفقود . لهذا مضطربند و پریشان و مأیوسند
 و سرگردان . اما اهل بها که بعنایت الهی اکلیل ایمان
 بر سر دارند و رداء اطمینان در بر ، از حوادث این
 جهان خائف و هراسان نشوند و ما وقع را کلاً منطوق کتاب
 مرقوم و تحقق وعد و وعید جمال قیوم دانند . یعنی
 چون شمس‌نباء عظیم در " یوم یناد المناد من مکان
 قریب " از افق ایران درخشید و فجر ظهور کلی الهی
 در آن کشور دمید معدودی چون مرغان سحر بمبارکباد

صبح هدی شتافتند و بنغمه وفا بذکر و ثنا پرداختند و از جام صبحی عیش مهتا ساختند ولیکن جمهور خلائق که در فراشانکار و اعراض بخواب غفلت دمساز بودند از آن نشاط و ثغنی و پایکوبی اهل راز در فجر ظهور جمال بی نیاز برآشفتنند و دشنام و ناسزا گفتند و بزجر و عتاب و حبس و عذاب پرداختند زیرا نمیخواستند که از بستر راحت بدر آیند و در طلوع " یوم یقوم الناس لرب العالمین " بمشاهده انوار و مجاهده در سیل حضرت کردگار پردازند . غافل از اینکه هرچند سحرخیزان و صبحی زدگان بزم محبت را زجر و ملامت کنند خورشید عالمتاب را از جلوه و سطوع ممنوع نتوانند و از ارتفاع و انتشار انوار باز ندارند . اینست که ملاحظه فرموده‌اید

تتابع واستمرار محن و بلایا در آن دیار و حبس و نفی و کشتار هزاران عاشق شیدای طلعت دلدار ، آئین حضرت کردگار را از اتساع و انتشار باز نداشت بلکه برعکس نتیجه بخشید . هر قطره خونی که در راه خدا بر خاک ریخت در اصول و عروق شجره طیبه الهیه جریان و سریان یافت و رشد و نموش را تسریع و تشدید نمود . در توقیعات منیعه ولی عزیز امرالله کراراً زیارت کرده‌ایم که چگونه بفرموده مبارکش " در بحبوحه انقلاب آثار نصرت و طفر نمودار و در اثر هر محنت و ابتلائی فتح و انتصاری

جدید آشکار و جلوه‌ای بدیع و تلئلی شدید پدیدار " و همچنین " هر انقلابی که دست دشمن ستمکار در جامعه پیروان امر کردگار احداث نمود علت استحکام اساس و اسباب اشتها و باعث اتساع و مورثانتار امر الهی گشت " بحدی که امروز در اُزید از هشتاد هزار مرکزبهای خیل عاشقان جمال ابهی که مرکب از نمایندگان بیسازار یکهزار و شصت و چهار نژاد از اجناس و اقوام مختلفه عالمند ، در ظل اسم اعظم محشور و بتأسیس یکمدمو سی محفل ملی در جمیع قارات و اقالیم عالم و تشکیل متجاوز از بیست و دو هزار محفل روحانی محلی و ترجمه و طبع آثار امریه و کلمات الهیه به شصت و هشتاد و پنج زبان موفق و بابتیاع اراضی مخصوص بنای مشرق الؤذکار دریکصد و پنج مملکت فائز . این فتوحات بالغه هنوز از نتایج سحر است و اهل بها که فضلاً من عنده بمنزله و سائسط و وسائل تحقق اراده الهیه در تأسیس مدنیّت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوبند از پای ننشینند و متابعاً در ظل نقشه های بدیعه در ارتفاع اساس حصن حصین نظم بد جهان آرای رب العالمین در هر اقلیم و سرزمین کمر همت بندند و بموجب وصیت و نصیحت مرکز میثاق " شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجوبند و در مضجع راحت نیارامند و آسوده ننشینند "

تا این جهان ادنی آئینهٔ ملا اعلیٰ شود و اعلام نصر و ظفر، در هر بوم و بر باهتزاز آید . اما بفرموده مولای توانا " هر فتح و ظفری را امتحان و افتتان از پی و نور هر نصرت درخشانی را نار آزمایش از عقب ... و استیلای آئین نازنین حصول آفات و وقوع بلیّات را مستلزم " گمان مبرید که ظهور این بلیّات و آفات فقط متوجه جامعه‌ای یا مملکتی است بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و غرور مستغرق و بهرج و مرج در جمیع شئون مبتلا جزائاً لغفلتهم و استکبارهم بعدابی الیم و عقابی عظیم محکوم . قلم اعلیٰ میفرماید: قوله تعالی " ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمتم جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضلم بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم " و نیز میفرماید: " عالم منقلب است و نفسی سبب و علت آنرا ادراک ننموده طبیب حقیقی را از معالجهٔ امراض منع نموده اند و خود نه درد میدانند و نه دوا سبحان الله چه غفلتی است که کلّ را اخذ نموده بحر معانی را گذاشته اند و ببرکه‌ها^ی ملح اجاج توجه نموده اند . با اینکه شمس علم از افق سماء مشرق، معذلک بجهلای ارض تمسک بسته و تشبّث

نموده اند زهی حسرت و ندامت این است که هر روز ببلائی جدیدی مبتلا میشوند و بعداب الیمی معذبند " بلی مادهٔ فسادی که بعلت ردّ و انکار آئین حضرت پروردگار در هیکل عالم غلظت یافته و نوع انسان را بدردهای بی‌درمان دچار ساخته چیز با نیشتر قهـر و سخط الهی منفجر نشود و اثر سمّ افعی لا مذهبی و ماده پرستی و غرور و غفلت و لجاج که هیأت بشریّه را مجروح و مسموم ساخته جز بداغ بلایا و مصائب لاتحصی علاج نپذیرد و جسم علیل جهان مستعدّ قبول دریساق اعظم نگردد .

باری ای یاران رحمانی در نصوص مبارکه محتوم است که علاوه بر فوران نار عذاب که بارادهٔ منتقم قهار تطهیراً لهیکل العالم جمیع بلاد را مشتعل و محترق نماید، جامعهٔ پیروان اسم اعظم نیز که بامدادات جنود ملا علی بانتصارات عظیمه در شرق و غرب نائل گردند و بفتح مدائن قلوب سلیمه در جمیع طبقات جامعه از وضع و شریف عامی و دانا نائل شوند و باستحکام قواعد متینه مؤسسات ربّانیّه توفیق یابند خود محسود اصحاب غرور گردند و روزی آید که جمیع ملل و دول عالم بر اضمحلال آئین نازنین مجهّز گردند و بحملات ولطّامات عظیمه اشدّ از قبل پردازند . اما نفس این مکابره

و مقابله و مهاجمه بحکم " سنّة اللّه الّتی قد خلت من قبل " سبب تشیتیت شمل اعدا شود و بالمآل انوار شمس ظهور، ظلمت دیجور رازا شل سازد و امر اللّه را از مرحله‌ای بمرحله‌ای اعلی کشاند و صبح و عود الیه بر دم و جهان جهان دیگر شود . ملاحظه فرمائید قلم توانای مولای بیهمتا در زمانی که دشمنان دیرین امر اللّه بفضیلت یاران قیامی جدید نمودند و بعبرده‌های و هوی مشغول شدند و به تصرف حظائر قدس و تخریب مقابله و تخویف احبّاً پرداختند حتی دست بخون معدودی از عاشقان جان برکف آلودند با چه صراحتی بوقایع آئینده اشارات فرموده :

" جامعه پیروان نیّر آفاق ... که پس از افول کوکب درّی میثاق قدم بمرحله اولای تأسیس نظم بدیع الّهی گذاشته و در مدّت بیست سال او ازید باستحکام اساس و وضع قواعدش و تأسیس محافل ملیّه و تشکیلات محافل ملیّه در قطعات خمه جهان مشغول و مأسوف بوده و سپس در این سنین اخیره وارد مرحله ثانیه که مرحله ترویج دین اللّه و اتّساع نطاق امر اللّه و تسخیر ممالک غیر مفتوحه و طرح نقشه های ملیّه و افتتاح جهاد کبیر اکبر است گشته حال بتقدیرات الّهیّه و وسائل غیبیّه و بر وفق اراده غالبه نافذه در اثر این

انقلاب و بلایای وارده اخیره وارد مرحله ثالثه گشته که مرحله اشتهار و ارتفاع صیت امر حضرت کردگار است و این مراحل ثلاثه که مرحله استحکام اساس و اتّساع نطاق و اشتهار صیت امر نیّر آفاق است مقدّمه اعلان آئین یزدان در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال رحمن بآن در الواح اشاره فرموده و این اعلان تحقّق نیابد الا بقیام زمامداران دول و امم شرقیّه و غربیّه و رؤسای مذاهب و ادیان عتیقه در قارّات خمه و ایجاد ولوله‌ئی اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی اشدّ از آنچه تا بحال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیّه احداث نمودند یاران راستان در این ایام انقلاب و افتتان باید نظر را باین بیان صریح که از قلم ملهم معجز شیم مولای خبیر علیم نازل متوجه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمعّن و تفرّس نمایند

قوله الأسنی :

" الیوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجه تشیتیت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح « و ایضاً میفرماید :

" امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع

ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعرهٔ قباثل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و آمه چین از دور و نزدیک بلند شود و کُلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأبیدی از ملکوت الهی بقوت ایقان و چند عرفان و سپاه پیمان جنود هنالک مهزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار کنند "

ملاحظه نمائید که بصریح عبارت میفرماید " مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید " و شبهه‌ئی نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدّسات دین الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هردو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قارهٔ اروپا و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قارهٔ استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقهٔ هندوچین در جنوب شرقی قارهٔ آسیا و شرق اقصی خواهد بود ... این انقلاب اعظم مقدّمه اعلان امرالله در تمام کرهٔ ارض و غلبهٔ جنرالله و انهزام و انقراض اعداء الله و تنبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق بشارت " یدخلون فی دین الله افواجاً خواهد بود " .

پس ای مختارین ملکوت از اشتعال نار امتحان و افتتان در این عالم امکان متزلزل مگردید چه کسه

ید غیبی در کاراست و جمیع حوادث روزگار ممدّ تأسیس شریعت پروردگار . تابش برق و غرش رعد اگر چه طفلان مهد را از خوف بفریاد و گریه وا دارد اما دهقان رشید را بشیر باران بهار و آبیاری باغ و کشتزار باشد این است که جمال قدم جلّ جلاله میفرماید " قل ان القضاء مؤتد لهذا الامر و البلاه معین لهذا الظهور " و " قل ان الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الامر و به انتشار امرالله و ظهوره بین العالمین " بلی آتش امتحان در بنیان مرصوص امر یزدان البتّه در نگیرد و خلل سی وارد نسازد ولیکن چه بسا در دل نفوسی که با تشرافروزی و یا بتماشا آمده اند عطش طلب ایجاد نماید و اینجاست که باید احیای عزیز الهی آب حیات را که از سرچشمهٔ نجات جاری گشته بر تشنگان بادیه طلب بنوشانند و سیراب نمایند و با سایش جاودانی رسانند . الحمد لله والهان جمال کبریا در آن کشور مقدّس طوفانهای شدید بسی دیده‌اند و بار محنت‌های بسیار کشیده و در جمیع احوال بحیل استقامت متمسک بوده و در قضایای وارده صابر و شاکر و کُلّ بتجربه دیده‌اند تا طوفان نیاید و بحر تلاطم نیابد و امواج نیاشوبد چه بسا لؤلؤ لاله که در قعر دریا همچنان در آغوش صدف پنهان ماند و بر ساحل مقصود نیفتد . پس یاران فرداً فرداً باید مترمّتد

باشند و در مواقع ابتلائات مستولیه درعین حکمت و محبت در تبلیغ امرالله سعی و کوششی بیشتر نمایند تا از آن راه هم غموم و هموم خویش را تسکین بخشند و هم سبب هدایت نفوس محروم گردند بلایا را عنایت جمال ابهی دانند و متوجهاً الی الله و متوکلاً علیه بادامه وظایف روحانیّه خویش پردازند و از صراط مستقیم نلغزند و سر موئی از تعالیم جانپروور امر الهی تجاوز نکنند در جمیع احوال حفظ خویش را در اطاعت از نمایم و وصایای الهیه و تشبث به مبادی سامیه و استمداد از تأییدات ملا اعلی جویند لاغیر .

باید کل قدر این موهبتی که نصیب گشته بدانیم و اجر جزیلی را که جمال مبارک قیوم برای ما محتوم فرموده هرگز از خاطر نبریم و از خدمات و جانفشانی و قبول قربانی در طریق محبت دلبر سبحانی سرور و مفتخر باشیم زیرا بفرموده قلم اعلی " امروز بای مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کلّ، عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده میشود . یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده شود " بحمدالله مقصد معین است و طریق سفر معلوم و زاد و توشه مهیا پس ای کاروان هدایت حرکتی و ای سالکان سبیل محبت همتی

و ای عاکفان کعبه سعادت جهدی تا مراحل باقیه نیز طی شود و در بحیوحه اطمینان و سرور به سر منزل مقصود رسیم و در ظلّ عنایت حضرت معبود وارد گردیم والی الأبد بر مسند عزّت نشینیم .

بجایان عزیز ایرانی مقیم ممالک و دیار سایرہ در جمع اقطار عالم ملاحظہ فرمایند :

ای یاران دیرین جمال ابھی :

در این ایام پر آشوب که آن ستاینندگان طلعت محبوب از وطن مالوف دورند و در سلک اهل ایمان در دیگر اقطار جهان محشور و در چندین اقلیم مقیم و در خدمات اصحاب وفا در سراسر دنیا شریک و سهم ، لازم دانستیم بکمال اخلاص سخنی چند با آن دوستان ارجمند در میان گذاریم و کل را به آنچه ضامن رفاه و سعادت و نجات و عزت جاودانی دانیم ، دعوت نمائیم تا انشاء الله شائد این مهالک را که در جمیع ممالک ظاهر شده و میشود با قدمی ثابت و قلبی مطمئن مقابله فرمایند و دیده امید به صبح وعده های جانپرور الهی دوزند و یقین نمایند که در پس این سحاب ظلمانی آفتاب مشیت بیزدانی در اوج رفعت و اقتدار قرار دارد و به تابش و نور افشانی پردازد و چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان از آفاق برافتد و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد . گمان مبرید که آنچه در این

زمان در چهار گوشه جهان از جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و میشود وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است . بفرموده مولای عزیز " ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار " بلی اینهمه از تصرفات خفیه امر اعظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور مست و مخمورند منمعق و مرتعش ساخته است آیه مبارکه " قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم " مصداق این مقال است و اندازات مکرره صریحه قلم اعلی مبین حال چنانکه میفرماید :

" عالم را بلا احاطه نموده اگر فی الجمله خیر هم در او گاهی مشاهده شود بلای عظیمی از عقب متوجه و احدی از عباد ارض سبب و علت آنرا ادراک ننموده "

و نیز میفرماید :

" عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنیکه ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام میروند و اذا تم المیقات یتظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان "

همچنین از قلم میثاق بکرات نازل که بشر غافل قبل از

توجه و اعتنا ق به تعالیم جان پرور نبر آفاق بجه مشقاتی
لایطاق مبتلا گردد میفرماید :

" روز بروز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است
عاقبت بدرجه رسد که بنیه انسانیرا تحمل نماند آنوقت
انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین، حصن حصین است
و آئین، نور مبین و احکام و نهایح و تعالیم الهی
محیی روی زمین "

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که آثار اولیه این هرج
و مرج در ارکان هیئت اجتماعی هر روز ظهور و بروز
داشته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مخربش
بنیان موءسات و مشروعات معهوده قدیمه را که درقرون
و اعصار، دایر مدار جمیع شئون اهل عالم و ملجاء و ملاذ
بنی آدم بوده و ازگون ساخته و موازین سیاسی و اقتصادی
و علمی و ادبی و اخلاقی بشر را دگرگون نموده و علم مفاخر
تمدن عصر حاضر را سرنگون داشته است. مبادی اساسیه
نظم جهان را مکائد سیاسی زما مداران، داغ بطلان نهاد
و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط
جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات
و اختراعات که شمره، تقدّم علوم و صنایع است آلات و وسائل
دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل
افتاده است، حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نمایند

وهادی عواطف رقیقه عالیه و وسیله تلطیف و تسکین روح
افسرده انسانی گردد حال آئینه قلوب تیره این نسل
سرگردان و لا ابالی و بی سوسامان شده و ازصراط مستقیم
انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد
که بفرموده جمال مبارک " هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ
نماید و فتنه تازه برپا شود " و سوف تحترق المئذّن
من ناره " تحقق یابد .

در چنین حال پر وبالی که اهل عالم پریشان
و دانایان امم در چاره آلام جهان حیرانند اهل بهای
ببرکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع
مدهشه را هر یک علتی و معنائی و نتیجه ایست و کسل از
وسائل ضروریه استقرار مشیت غالبه الهیه در جهان محسوس.
یعنی از یکطرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا
کاروان گریخته و ازهم گسیخته عالم انسانی را خواه و نوا-
خواه بسر منزل مقصود براند و بتازاند از طرف دیگر
مشتی ضعفا را در ظل هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده
تا در این دوره تحوّل و عصر تکوین در میان طوفانهای
سهمگین بساختن حصنی حصین که بالمال منزلگاه و پناه
آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند. لهذا
یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشایی
در مقابل خویش دارند البته از آنچه پیش آید پریشان

خاطر نشوند از نهیب حادثه نهراسند در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظائف مقدّسه خویش باز نمانند .

از جمله آن وظائف مقدّسه تخلّق باخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریاست باید راتحه طّیبه موطن حضرت بهاء الله را که سرزمین نفوس مقدّسه شهیدان جان نثار و عاشقان فداکار جمال مختار بوده و هست بمشام اهل ایمان در هر دیار برسانند و فراموش ننمایند که انتظاری که اهل بها از یاران عزیز ایران دارند بسی شدید است و توقّعات بس عظیم . باین ندای جانفزای مولای بیهمتا که احباء ایران را فی الحقیقه فصل الخطاب است توجه فرمائید :

" میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهاء در اینست که بهائیان در جمیع امور، حتی در جزئیات و معاملات یومیه و روابط افراد با یکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند . میفرماید بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا منمائید مظهر محویت گردید و فنای محض شوید . مهر و وفا و شفقت و محبتّ نمایح پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل بها فداکاری و جانفشانی مامور . ملاحظه فرمائید که در الواح مقدّسه و کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای الهی بجه حدّی مامور به پرهیزکاری

و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی الله و تجرّد از شئون دنیا و اخلاق و صفات الهیه هستند باید بهر نحویکه ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیّت را خالص نمود و الا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنّع و تقلید احتراز جست چه که راتحه منتنه اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال . نمیدانید که محبتّ خالصانه و صداقت و خلوص نیّت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منسوط بسعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایّام است مگذارید که اغیار و حسودان و دشمنان بگویند که علت علّو امر در گذشته ایّام در اوائل ظهور قیام خارق العاده היאکل مقدّسه و استقامت نفوس زکیه شهداء امر بوده که حال چون دیگر نیستند امر بهاء الله مجبوراً " روبانحطاط و ضعف و تشتیت و اضمحلال خواهد گذاشت . "

از خدا طلبیم که آن عزیزان را در هر یومی از ایّام موفق گرداند تا نواح الهی را نصب العین خویش سازند و در راه وفا قدم گذارند و گوی سعادت ربایند .
از جمله آن وظائف مقدّسه تعهد معنوی یاران برعبودیت

آستان یزدان در جمیع احوال و ایام است یعنی این چند روزه حیات فانی را علی‌الخصوص در این عصر تحوّل و قف امرالله نمایند و خویش را از اندیشه کم و بیش آزاد سازند بحبل توکل متمسک شوند و فارغ از هر غمه و تشویش گردند ملاحظه فرمائید این چنین نفوس مبارکهای از قلم اعلی بجه بشارتی مستبشرند قوله الالهی :

" آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نورا است و از برای اهل شقاق و نفاق، نار، اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیا وارد باز ربح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوسی که غافل و جاهل و جاچندند." اگر چه گوینده بخیال دیگر گفته ولکن مطابق است با دستگاہ حق : " تو گرو بردی اگر جفت و اگر طاق آید." در هر حال ربح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده و هست اولیای حق از نار سردند و از آب خشک یعنی امورات ایشان غیر امورات اهل عالم است در هر تجارتی ربح با ایشانست یشهد بذلک کل عاقل بصیر وکل منصف سمیع." و از جمله آن وظائف مقدسه تمسک به حبل اعتدال در جمیع شئون زندگانی است میباید که یاران عزیز که باید جوهر انقطاع و اعتدال باشند، مفتون ظواهر این جهان فانی گردند و به آرایش دنیا دل بندند و حیات خویش را بهدر دهند. اگر اهل ثروتند باید آنچه را به آنان

عنایت شده وسیله تقرب بدرگاہ کبریا سازند نه آنکه رنگ تعلق پذیرند و نصائح قلم اعلی را فراموش نمایند. بلی حق فرموده که " بعد از تحقق وجود و بلوغ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود نبرد اهل خرد ممدوح و مقبول است" ولیکن ثروت و عزت اگر وسیله خدمت و عبودیت آستان الهی گردد مطلوب است و الا احتراز از آن محبوب، به کتاب عهدی و کلمات مکنونه و الواح سائره رجوع فرمائید تا میباید رشته‌ایکه باید حبل نجات گردد وبال گردن شود و ما را بهلاکت افکند چه بسیار از نفوس غافلہ علی‌الخصوص از هموطنان خویش را که از نعمت ایمان و عرفان محروم بوده اند ملاحظه فرموده‌اید که چون فی‌الجمله بدولت مستعجلی رسیدند چنان مفتون ثروت و مقام شدند که فضائل و کمالات حقیقیه عالم انسانی را فراموش نمودند و بساط حیاتی گسترده که سراسر تصنع و بی‌شمر بود. مدار تفاخری جز تظاهر به خانه زرنگار و رونق بازار و زر و زیور و اسب و استر نداشتند و ببینید چه طرفی بستند. ای بسا طاق کسری که مکسور شد و بسا قصر قیصر که مطمور گشت. روز ظاهر فریبان، شام غریبان شد و گنجهای شایگان، رایگان گشت و بتاراج و تالان رفت و از عمر تلف کرده نماند جز اشک حسرتی و آه ندامتی قوله عز بیانہ :

" آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم "

لهذا اهل بها البته در دام ارباب بی‌مروت دنیا نیفتند و بقناعت و اعتدال پردازند و خانه و کاشانه خویش را در نهایت دلگشائی و بساطت محل تردد جمع مؤمنان و تشکیلات محافل یاران و مرکز انتشار امر رحمن و کانون محبت حضرت یزدان سازند بنحویکه هر صفا از نفوس از رئیس و مرئوس از ورود به خانه و کاشانه آنان رعب یا استیحا نیابد و از معاشرت بروح و ریحان باز نماند .

از جمله آن وظائف مقدسه آنکه احواء عزیز ایران در بلاد خارجه محل استقرار خویش را با مشورت محافل و مؤسسات امریه در نقطه‌ای معین نمایند که جهت تاسیس و تقویت امرالله در آن کشور لازم است باید در میدان مهاجرت در هر کشور پیش قدم شوند نه آنکه در پی اقوام و دوستان خویش بی‌خبر از مقتضیات و حوائج امرالله در یک نقطه مجتمع شوند . الحمد لله ببرکت اسم اعظم اهل بها چنان وحدت و محبتی بیکدیگر یافته‌اند که نسبتها ظاهره حتی دانستن زبان و تشابه آداب و رسوم نیز در روابط معنویه آنان که منبعث از ایمان به امرالله است خللی وارد نسازد . لهذا اجتماع یاران ایران در یک نقطه ضرورت ندارد و چه بسا تولید مشکلات نماید چنانکه

اگر ایرانیان بهائی از لحاظ تعداد، بریاران محلی غلبه نمایند نادانسته مشکلاتی را بوجود آورند که احیاناً باعث توقف و تأخیر پیشرفت امر مبارک در آن نقطه گردد و آئین جهان گشای جمال ابهی را در نظر نفوس سائره امری محدود و مخصوص ایران و ایرانیان جلوه دهد و باعث تضییع وقت و دلسردی یار و اغیار شود و در چنین حالی نه ایرانیان عزیز حظی از اقامت خویش در آن بلاد ببرند و نه چنانکه باید و شاید خدمتی به آستان الهی فرمایند .

لهذا تقاضای این مشتاقان چنان است که حتی المقدور در ممالک و بلاد ومدن و قرائی توطن اختیار فرمایند که جزو اهداف مهاجرت باشد و از آن ممر فایده‌ای در تقویت بنیادان امرالله عاید گردد باید بیکدیگر را بر مهاجرت و تشتت تحت نقشه های تبلیغی در هر کجا تشویق نمایند و حتی راحت و سروری را که از مصاحبت و مجالست با بیکدیگر طلبند فدای مصالح کلیه امرالله سازند .

از جمله آن وظائف مقدسه احتراز از مباحثات و مناقشات سیاسیه است که فعلاً در همه جا بازاری رواج دارد اهل بها را به مخاصمات و مشاجرات ارباب سیاست چه کار .

باید بکمال اتقان بر عالمیان ثابت نمود که بهائیان در ظل تربیت آئین خویش در هر مملکتی که ساکن باشند رعایای وفادار آن کشورند و از دسائس اهل تزویر و ارباب

تخریب و ارهاب دور و برکنار . مطمح نظرشان سعادت بشر است و خدمت قلبی و حقیقی به مردمان هر کشور . در امور اداری مطیع حکومتند و در کمال صداقت و امانت با جـراة وظائف محوله مشغول و حزبی از احزاب و فردی از افراد را مَرّج بر دیگری ندانند و به مخالفت با احدی نپردازند زیرا قلم اعلیٰ ما را از فساد ممنوع ساخته و با صلاح مأمور فرموده است . بیش از یک قرن است که بهائیان بعمل اثبات نموده‌اند که عبودیت و خدمت خلق را بر عزّت و ریاست که از راه دخالت در سیاست بدست آید ترجیح دهند و در تمشیت امور خود توکل بحضرت کردگار جوینند نه توسل به اصحاب عزت و اقتدار . احیای عزیز ایرانی علی‌الخصوص در این ایّام که در کشور مقدّس ایران اهل عدوان تیرهای تهمت و افترا را از هر کرانه روانه ساخته‌اند ، باید مواظب باشند که در معاشرت با ایرانیان خارج ایران و جمیع نفوس بنحوی رفتار و سلوک نمایند که بیطرفی و خیرخواهی اهل بها بر همه کس چه در خارج و چه در وطن بیش از پیش واضح و مبرهن باشد و بدست فتنه انگیزان که جامعه مظلوم بهائیان را همیشه جهت مقاصد نالایقه خویش نشانه سهام افترا ثات عدیده کرده و میکنند بهانه جدیدی ندهند و مزاحمتی ایجاد نمایند . باری ای عزیزان حق ای هموطنان جمال ابهی چنین

نسبت مبارکی را شکرانه‌ای لایق در خوراست پدران شما قدر این موهبت کبری را دانستند و ایثار جان را در راه دلبر مهربان سهل و آسان شمردند . اسیر زنجیر شدند ، طعمه شمشیر گشتند ، خانه و خانمان بر باد دادند و ناله‌های جز فریاد یا بهاء‌الابهی و یا علی‌الاعلیٰ از حلقوم بریده خون آلوده بر نیاوردند تا آنکه از همان صوت ضعیف جانسوز ، صیت جهان افروز نباء عظیم بتدریج در جمیع اقالیم طنین افکند و اوج گرفت و رتّان شد . حال نیز یاران عزیز در ایران که عاکفان کوی جانانند بر سر همان عهد و همان پیمانند ملاحظه فرمائید که آن صاحب‌دلان با وفا با چه شجاعتی و با چه استقامتی و با چه انقطاعی و اتحاد و اتفاقی و با چه شوق و اشتیاقی هر روز در بوته امتحان می‌گدازند و با رخی تابان چون زر ناب‌گیاکی و امالت و قدر و قیمت خویش را بر جهانیان ثابت و نمایان می‌سازند . در نهایت مظلومیت و صداقت و حکمت و شجاعت بر دفع شر اهل عدوان قائمند و برفع سوء تفاهاتی که از نشر اکاذیب و تداول تهمت‌های نادرست حاصل گشته سعی و جاهد . تن بقضا داده‌اند و سر بر وادی تسلیم و رضا نهاده ، تحمل هر بلائی را آماده‌اند زیرا به یقین مبین تحقق وعود حتمیه الهیه را مستلزم وقوع حوادث شدید و تحمل مشکلات عدیده دانند . بیان مولای توانا حضرت ولی‌امرالله از جمله

چنین بوده است که :

" اگر چنانچه در مستقبل ایام آفات گوناگون آن سرزمین را احاطه نماید و انقلابات کشوری برتضییقات حالیه و محن وارده متواتره بیفزاید " یاران عزیز در آن سرزمین نباید " ملول و اندوهگین " گردند و " از مسلک و منهج قویم خویش " منحرف گردند زیرا متعاقباً خطاب به آن عزیزان چنین فرموده :

" استخلاص این فئسه مظلوم بیگناه از قیود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت، ضوفا و هیجان عمومی را مقتضی و حصول عزت و رفا و آسایش حقیقی از برای اهل بهمان، مقاومت و ممانعت و شور و آشوب اهل حقد و جفا را مستلزم، پس اگر چنانچه تلاطم دریای بلا از دیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم را احاطه نماید به حق الیقین بدانید و آنی متردد نمانید که میعاد نجات و میقات جلوه موعوده دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیره فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بها در آن کشور مهیا و فراهم شده . قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بها در اعلی المقامات پدیدار گردد و جلوه ای حیرت انگیز نماید . هذه سنة الله ولن تجد لسنة تبدیلا . "

اینست که آن شهبازان اوج محبة الله بسرور و سکون

و وقاری قائم و فائزند که مغناطیس تائیدات ملاء اعلی گشته و آنان را به چنان توفیقاتی موفّق نموده است که اسباب تحیر و اعجاب اهل بها در سراسر عالم شده و جمیع را بر آن داشته تا چون آن جواهر وجود با محبوب ابهی عهدی تازه بر بندند و همّتی بدیع در عبودیت آستانش بنمایند و حتی المقدور محرومیت کنونی یاران ایسران را با خدماتی مزید و عزم و قیامی جدید جبران نمایند و از شجاعت و استقامت و خلوص نیت آن دلدادگان کوی دوست الهام گیرند و در میدان محبة الله بمقتضای عشق قیام نمایند اینست که در این اواخر پیروان اسم اعظم در ممالک و بلاد مختلفه بیاد و بنام احباء عزیز ایران دست بفتوحاتی بدیعه برده و طرحی نو در افکنده و موعید به تائیداتی عظیمه گشته و آنهمه را از برکت تأثیر همّت و استقامت یاران عزیز در مهد امرالله دانسته اند . دیگر شما ای دوستان عزیز که از آن آب و خاک مقدّسید چه خواهید کرد . شما مرغان آزاد آن گلستانید نغمه و آوازی ساز کنید که نفوس و ارواح را باهتزاز آورد . شمعهای آن شبستانید انوار دلنوازی بتا بانی که دیدگان اهل راز را روشن سازد دیده جان این مشتاقان در این ایام در انتظار است تا از دل ابرهای تیره و تار برق غیرت و وفابجهد و نام نامی آن یاران نیز چون هموطنان جانفشان پی در پی

با قلم زرین بر لوح جهان نوشته گردد . دیگر این بسته
به آن همت والای شماسست .

شهرالاسماء ۱۳۸

آوارگان صحرا می مجتبه الله اجباء ایرانی مقیم بلاد غربیه ملاحظه فرمائید

اسی یاران یاوران مهربان :

معلوم است در این اوان که بهائیان مظلوم در ایران
با انواع آفات محاطند و به تنایع مماثبات مقابل آن سرگشتگان
بادیه محبّه الله ، از اشتعال نائره احزان بچه سوزی
دمسازند و در چه گرداب اضطرابی سرگردان . و اگرچنین
باشد عجبی نیست زیرا که عزیزان خویش را در مهدامرالله
هرروز در بند تهمتی بینند و هر آنی هدف تیر اقتراشی .
زمانی در حبس و زندانی و گاهی خسته تیغ جانکاهی .
چه بسا از آن مظلومان که مقهور اهل عدوان گشتند و خانه
و خانمان بتاراج و تالان دادند و لب بشکایت نگشودند
و چه بسا نفوس ارجمندی که در نهایت سرور و سربلندی
تاج شهادت پوشیدند و خون پاک را در نهایت تسلیم و رضا
نثار محبوب ابهی فرمودند . لهذا اگر از یاد ایمن
همه ظلم و بیداد دیده دریا کنیم و از دل سوزان
آه آتش بار بر خرمن جان زنیم ، پیش اهل انصاف مستحق
ملامت نباشیم . زیرا که این عواطف وجدانی از مقتضای
طبیعت انسانی است و از عوارض ضعف و ناتوانی در ایمن

جهان فانی . ولیکن چون با نظر حقیقت که بر تر از حدود این عالم نابود است بوقایع و حوادث بنگریم ملاحظه کنیم که هر بلائی بشیر عنایت است و هر جفائی عین نعمت و مکرمت سمندر بقا در آتش بلا رخ برافروزد و گوهر سعادت از هیجان امواج مصیبت بر ساحل وجود افتد . باران فیض الهی از ابرهای تیره ببارد و مزرع سبز پر حاصل از شوریدن خاک و کاویدن صحرا ببار آید . بلی سنت الهی چنین بوده که اصفیاء و اولیاء و مقربان درگاه کبریاییش را با قبول شدائد و بلایا واسطه اعلا امر خویش قرار دهد و شجره طیبه مبارکهاش را با خون شهیدان جانفشانش آبیاری کند .

ملاحظه در این بیان مبارک مرکز میثاق کنید که میفرماید :
 " فی الحقیقه قلب عموم یاران از این ظلّ عم و عدوان سوزان و جمیع فریاد و فغان مینمایند و اگر چنانچه چشمها خون ببارد و دموع نهر جیحون گردد باز آتش دلها نیفسرد . احزان ساکن نگردد . این از این جهت . ولی نظر را پاک و مطهر نما ملاحظه کن که بچه موهبتی فائز شدند و چه عنایتی را حائز گشتند . لب تشنه بچه بحر عذب فراتی رسیدند و در نهایت فقر و فاقه بچه کنز عظیمی ره بردند . قطراتی از خون فدای حضرت بیچون کردند ولی خونبها

را از جمال ابهی گرفتند و کأس فضل و عطا را از دست آن دلبر یکتا نوشیدند . و اما از جهت امرالله ، این واقعه عظمی سبب اعلا کلمة الله گرد و نثر نفعات الله ، نسمة الله بهیوب آید و نیّر موهبة الله طلوع کند . امر صد مرتبه عظیمتر شود و رایت الهیه بلندتر گردد . آیت تقدیس ظاهر شود و جمیع ملل ، از هجوم جنود شهادت ، مغلوب و مقهور و مهزوم گردند . سطوت کلمة الله شرق و غرب را بحرکت آرد و جیوش ملاه اعلی چنان هجوم نمایند که جمیع احزاب مهزوم گردند "

و در مقامی دیگر میفرماید :

" ای بنده بها از بلایاى وارده بدرگاه احدیت شکرانه نما زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است و مشقت صرف موهبت . ایام حیات مانند سرابست و وجود موجودات موهوم است و بی بنیاد و معدوم . آنچه هست حقیقت روحانیه است و هویت نورانیه که بقا اندر بقا و صفا اندر صفا است . ثابت است و باقی . ثابت است و کافی . مرور دهور رخنه ننماید و توالی اعصار و قرون فتور نرساند لهذا باید آن لطیفه ربّانی محفوظ ماند و آن آیت ربّانی مثبت گردد . و از غرائب وقوعات اینست که اعظم وسیله صون و حمایت این حقیقت نورانیت ، هجوم اعداست و آلام و محن بیمنتها .

زجاج آن سراج، اریاحست و سبب سلامت آن سفینه، شدت امواج. لهذا باید از بلاه ایوب ممنون شد و از جفای اهل ذنوب باید خشنود گشت زیرا سبب بقا و وسیله کبری و نعمت عظمی و موهبت بی‌منتهاست"

باری کدام عاشق صادقی است که دعوت دوست حقیقی را بشنود و با سر و جان بکوی جانان نشتابد؟ کدام پروانه جانسوخته است که خود را " وسیله کبری " جهت صون و حقیقت شمع حقیقت بیند و بال و پر در آتش فدا نوزاند؟ کدام مومن موقن جانفشانی است که بدانند با قبول مصیبت در سبیل الهی امرالله " صد مرتبه عظیمتر شود" و از راحت و آسایش خویش دست و دل بر ندارد؟ و کدام عاقل روشندلی است که جمیع ملل را " از هجوم جنسود شهادت مغلوب و مقهور و مهزوم " داند و با سروجان آماده ورود بمیدان فدا نباشد؟ اینست که می‌بینیم امروز قهرمانان میدان وفا در کشور مقدس ایران با چه شجاعت و شهامت و غیرتی صابراً شاکراً علم هدایت برافراشته‌اند و دل‌های آشنا و بیگانه را با مظلومیت و وقار و توکل بر حضرت پروردگار ربوده و هزاران نفوس را که تا بحال از تاثیرات اسم اعظم غافل و از مقاصد عالیه روحانیه اهل بها بیخبر بودند مفتون و ثناخوان خویش ساخته‌اند. اینست که می‌بینیم شهیدان مشتاق

در این عصر تکوین چراغ جانباختگان صدر ظهور را فروزان ساختند و بهمان خلعت سرخ شهادت مشرف و مفتخر گشتند. یکی پای قاتل را بوسه میزند که دست مریزاد که مرا بچنین موهبتی فائز ساختی و جان مشتاق را بوثاق جانان درآوردی. یکی خندان در وقت رفتن بمیدان میگوید که این سینه من است که بطرف گلوله می‌رود نه گلوله بسوی سینه من. یکی در وصیتنامه از عائله تقاضا میکند که نقل و شیرینی تقدیم نفوسی کنند که نعمت شهادت بوی بخشیده. و دیگری در دقائق قبل از شهادت لباس فاخر میپوشد و عطر و گلاب میزند تا آراسته در گلزار بقا بلقای محبوب ابهی فائز شود.

بزودی روزی فرا رسد که داستانهای این " سرخوشان مستدل از دست رفته " را که هریک مظهر انقطاع و تقوی و انجذابند، بآب زر بر دیباچه کتاب فدا بنویسند و همچنانکه امروز شرح پریشانی و قربانی اصحاب و فدا در عصر رسولی موجب اشتعال نار محبّه‌الله در قلوب ماست داستانهای این ایام نیز بمرور اعمار و دهسور باعث وله و نشاط و سرور و امتنان اهل عالم در ادوار آینده گردد. مشکلات حالیه و مآثب مستولیه بگذرد و زحمات فراموش شود و تنها عزت ابدیه یاران و ذلت و محرومیت اهل عدوان باقی ماند.

بفرموده حضرت ولی امرالله :

" ثمرات این بلیات و صدمات، در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه این پریشان‌نسی و ویرانی احباء بعد از این بر وجه یاران و دشمنان هر دو مکشوف شود . احبا از صدمه و ابتلا در سبیل امرالله نباید دقیقه‌ای آزرده گردند و متأثر و متحسر شوند . در لوح ابن ذئب، آن لسان عظمت که تسلی دهنده عالم است باین بیان ناطق :

" طوعاً لقاضاتی فی حکمه عجبا افتی بسفک دمی فی الحّل و الحرم براستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جانست و مقمود روان ستم مهلک در سبیلش شهدی است فائق و عذابش عذی است لائق . " این تذلیل ظاهره احباء الله در آن دیار باید سبب شود که حرارت محبت الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و همّت نفوس را بیش از پیش منور سازد . این ظلم و ستم چون عاقبت ممد امرالله است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین نماید و بر تشکر و امتنان و خلوص و انجذابشان بیفزاید . چه که این واقعه مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعد نموده بگل و ریاحین ایمان و ایقمان زینت و رونقی بدیع بخشد و نار این عذاب نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند .

حال وقت صبر و سکون است و هنگام تمسک بحبل المتین تعالیم الهی "

بحمدالله ببرکت امثال این بیانات جانبخش نور استقامت و همّت از افق جامعه یاران در ایران بکمال شدت ساطع است و صبر و سکون در جمیع احوال و شئونشان لائح و لامع . حتی با زماندگان شهیدان عزیز چنان شهامتی و وفا و وقاری از خود ظاهر و آشکار ساخته‌اند که جمیع آشنا و بیگانه را مجذوب و مبهوت ساخته‌اند . مثلاً از پوشیدن لباس عزا ابا نمایند چه که شهادت عزیز خویش را فخر و منقبت دانند نه عزا و مصیبت . یکی در کنار جسد قرین شهید نازنین که با اجساد شهیدان دیگر در بیمارستان منتظر انتقال بگلستان جاوید بود بر چهارپایه‌ای می‌رود و با کمال قدرت در عین محبت و مظلومیت به خلق کثیری از مردم شهر که برای تشییع جمع شده بودند خطاب میکند که ایها الناس این نفوس مظلوم که خود بر مظلومیت آنان گواهد جان خود را در راه ایمان نثار کردند تا رسم کینه و دشمنی از جهان برافتد . دیگری که با پدر عزیز در زندان محبوس بود روز بعد از شهادت پدر بدوستان محزون در خارج از زندان پیام میفرستد که پدر ما سرباز راه حق بود که بمیدان رفت و ما نیز فرزندان همان پدریم و در همان راه پویان

دیگری در جواب اظهار محبت و دلجوئی امراء امرالله پیغام میفرستد که هنوز خون افسرده در رگهای دیگر افراد این عاقله در جریان است و حاضر و آماده که در سیل محبتش بر خاک ریزد . و دیگری قبل از مراسم تدفین خطاب بجد آغشته بخون قرین نازنین مرحبا مرحبا گوید که بچه سعادت رسیدی و بازماندگان را بچه عنایتی رساندی . باری این وقایع عظیمه انشاءالله در موقع دیگر منتشر شود اما چون این همه سبب اعلاء کلمةالله و استحکام اساس شریعةالله در جمیع اقطار گشته و "صیت نباء عظیم را در جمیع اقالیم منتشر " نموده، بمذاق عاشقان مشتاق جمال ابهی خوش آید. خود آن یاران در اکناف و اطراف جهان براء العین ملاحظه میفرمایند که چگونه این مظالم اهل عدوان در این ایام از قبیل هتک حرمت و تخریب اماکن متبرکه - مصادره اموال جامعه و افراد - اخراج از مشاغل و دوائر - قطع ممر معاش - سلب حقوق مدنی - قتل و اعدام نفوس مبارکه بی گناه، کل سبب ارتفاع ندای جمال ابهی گشته و امرالله را از مرحله مجهولیت در اکثر بلدان خارج نموده و آوازه اش را جهان گیر ساخته و باعلی المقامات رسانده و انتظار کشیری از اهل عالم را از رجال و مشاهیر و طبقات دیگر مردم متوجه جامعه بهائی و امر الهی ساخته و جراثیم

و مجلات و رادیوها و تلویزیونها در بلاد مختلف را وسیله انتشار امرالله قرار داده است .

در کنفرانسهای رسمی سازمان ملل متحد مربوط به حقوق بشر تصویب نامه هائی در حمایت از مظلومان ایران صادر و در یک مجمع نماینده بهائی موفق به ایسراد خطابه و ارائه عرض حال گردید و بکرات در دواشیرآن سازمان بین المللی ذکر پیروان اسم اعظم در مهد امرالله مذکور و لزوم حمایت از حقوقشان مؤکداً منظور گشته همچنین اعضاء پارلمان اروپا که برگزیدگان مسلسل از ده مملکت از ممالک راقیه عالم محسوبند و باحزاب مختلفه متنوعه منسوب، در دو بار باتفاق آراء با تصویب لوائحی مظلومیت اهل بها را در ایران تصدیق و بدولتهای خود تکلیف نمودند که حتی الامکان در رفع این مظالم سعی و اقدام نمایند . بعضی دیگر از پارلمانهای ممالک بزرگ از قبیل کانادا و آلمان غربی و هلند و استرالیا نیز به تصویب چنین لوائحی پرداختند و متعاقباً وسائل ارتباط و جرائد و مجلات نیز مقاصد اهل بها را منتشر ساختند .

باید بخاطر داشت که از سنه ۱۹۶۸ میلادی اعلان امرالله از اهداف مهمه و مجهودات اهل بها محسوب بوده از آن سال که یک قرن از نزول الواح ملوک و سلاطین

گذشته بود و این هیئت جمیع رؤسا عالم را مجدداً بآنچه قلم اعلیٰ یکصد سال قبل به رؤساء عالم خطاب فرموده متذکر ساخت و از امناء امرالله در جمیع اقطار تقاضا کرد که در تشهیر و اعلان شریعة الله نزد وضع و شریف سعی و اقدامی بلیغ نمایند . و اکنون خون مقدس شهیدان ایران و مظلومیت و استقامت و شجاعت احباء ستمکشیده آن سامان اعلان امرالله را باکملها و اشدّها تقویست فرموده و نباء عظیم را چنان طنینی بخشید که مسامع اهل ملکوت را باهتزاز آورد .

لهذا بهائیان عزیزیکه از کشور مقدس ایران در دیار دیگر پراکنده اند و در ظل محافل روحانیه محشور، و برخدمت امرالله مأمورند، باید متوجه باشند که انظار اهل عالم از بهائی و غیر بهائی بیش از پیش بآن ناظر و از ایشان متوقع و منتظر که همان انقطاع و صفا و وفائی را که هموطنان بهائی ایران از خود ظاهر ساخته اند نمودار سازند. این چه فرصت ارجمندی است که خداوند بیمانند برای انتشار امرش مهیا فرموده ؟ باید احباء ایران در تمام جهان بنحوی قیام نمایند تا کل شهادت دهند که سر حلقه خادمان عالم انسانند و اگر از ایثار جان در سبیل جانان محرومند در تقدیم خدمات دیگر بقرار و بی تاب . خانه هریک از آن یاران هر چند محقر باید مرکز

انتشار انوار و تبلیغ امر حضرت کردگار باشد و در بذل تبرعات مالی چنان باشند که دوست و دشمن شهادت دهند که این دنیای فانی را قدر و منزلتی ندانند و جمع مال و ثروت را کرامت و فضیلت نشمارند و بآنچه واقع گشته توجه نمایند که چگونه ثروت عالم را بقاشی و جهان فانی را وفائی نه آنچه باقی ماند خدمتی است که در راه استقرار و تقویت آئین نازنین تقدیم شود .

در این ایام اهل بها به تأسیس دو مشرق الاذکار در عاصمه هندوستان در قاره آسیا و در کشور ساموآ در قلب محیط اعظم در جزائر پاسیفیک مصممند و چنانکه میدانید این هیئت صندوقی جهت هریک از آن دو مشروع عظیم مفتوح نموده و اهل عالم را به مشارکت در آن دعوت نموده . حال که احباء ستمدیده ایران از چنین خدماتی جبراً محرومند یاران دیگر آن سرزمین که در ممالک آزاد زندگانی میفرمایند باید جبران نمایند و حتی در عین تنگدستی بآنچه لازمه و فاست بنام خویش و بالنیابیه از مظلومان ایران قیام کنند و وظائف دیگر را نیز که در قبال تقدیم حقوق الله بعهده دارند با کمال مواظبت بانجام رسانند و از گذشته عبرت گیرند . بالاتر از همه باید باعمال و رفتاری قائم باشند که مبلغ امرالله باشد و کل را به تأثیر کلمة الله در قلوب

و ارواح مؤمنین مقرر و معترف نماید، از امور سیاسی و شرکت در مباحث بی‌فایده در این زمینه احتراز جویند و دشمنان را بخدا واگذارند که قسم یاد فرموده که از ظلم احدی نگذرد. ای عزیزان حق جز به پیشرفت و تقدم و ترقی آئین نازنین، قلوب جریح و خونین ما، چگونه درمان یابد و بغیر از سلوک در سبیل عشق الهی دیگر چه راهی این تشنگان بادیه حرمان را به چشمه حیات جاودان رساند و بجز امید به کسب رضای جمال ابهی چگونه روح مضطرب و پریشان ما آسایش و آرامش پذیرد؟ پس عاشقان را قیامی عاشقانه بآید، صادقان را گواهی مردانه شاید، تا این مراحل باقی بماند زندگانی بکامرانی حقیقی طی شود و با قلبی مستبشر و دامنی پر از گوهر صدق و صفا بعالم بقا در آئیم و در ملائکه اعلیٰ با رخ افروخته و سری افراخته حاضر گردیم و بمعنای حق فائز و مصداق این آیات بینات شویم:

" ای یاران الهی جهدی بلیغ نمائید و سعی شدید کنید تا موفق بعبودیت جمال قدیم و نور مبین گردید و سبب انتشار انوار شمس حقیقت شوید. جسم قدیم قدیم امکان را روحی جدید بدمید و مزرعه آفاق را تخم پاکی بیفشانید. بر نصرت امر قیام نمائید. لسان به تبلیغ بگشائید. انجمن عالم را شمع هدی گردید

و افق امکان را نجوم نورا شوید. حقائق توحید را طیور رحمانی شوید و گلبنگ حقائق و معانی زنید. انفس حیات را صرف امری عظیم کنید و مدت زندگانی را حصر در خدمت نور مبین نمائید تا عاقبت گنج روان ملکوتی بدست آرید و از زیان و خسران برهید. زیرا حیات بشر جمیع در خطر. اطمینان بقا در دقیقه ای نه. با وجود این، اقوام، مانند سراب اوهام، در موجند و گمان اوج دارند! هیئات هیئات قرون اولی نیز چنین گمان مینمودند تا آنکه بموجی از امواج تراب پنهان شدند و بخسران و زیان افتادند مگر نفوسیکه فانی محض شدند و در سبیل الهی بجانفشانی برخواستند. کوکب نورانی آنان از افق عزت قدیمه درخشید و آثار قرون و اعصار برهان بر این گفتار. پس شب و روز آرام نگیرید و راحت نجوئید راز عبودیت گوئید و راه خدمت پوئید تا بتائید موعود از ملکوت احدیت موفق گردید... "انتهی

نشسته‌اند اما آنان که هنوز از دام ظالمان جسته‌اند از هر بیم و اندیشه رسته و ذکر و شای خداوند یکتا را پیشه خود ساخته بکار خویش مشغولند و از ماسوی الله فارغ و آسوده .

در عین حال ما آوارگان که دور از آن محنتکده بلاخیز در مقام امن و امان آرمیده‌ایم حقا در غم دوستان و خویشان مضطرب و پریشانیم و هر روز افسرده دل و نگران که باز دیگر چه واقع گردد و چه کسی آماج تیر جفا شود . اما ای دوستان باید به تأثیرات عظیمه ظاهره و خفیه حانبازی های هموطنان حضرت بهاء الله ناظر باشیم و ظواهر هولناک آن حوادث دهشت انگیز را فراموش کنیم و بدانیم که اگر یاران ایران سینه را سپر بلا ساخته اند و مردانه در میدان فدا تاخته البته واقف و آگاهند که بلایا در راه حق نه فقط اسباب ترقی و اعلان و تقدّم امر یزدان است بلکه از مقتضای حضرت عشق است و از لوازم ذاتی اشراق شمس هدایت در عالم امکان . نظر باین بیان مرکز میثاق فرمائید که میفرماید :

" ای بنده بها از بلایای وارده بدرگاه احدیت شکرانه نما زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است و مشقت صرف موهبت ایام حیات مانند سراپست و وجود موجودات موهوم است و بی‌بنیاد

شهر الشرف ۱۴۱
ژانویه ۱۹۸۵

اجتای عزیز ایرانی مقیم قالیمر و بلاد خارجه
در شرق و غرب

ای گزشتگان صحرای محبه الله

قریب به شش سال است که برگزیدگان جمال کبریا در مهد امرالله در طوفان محن و بلیات بانواع شدائد و مصیبات گرفتارند و در جمیع احوال صابر و شکر گزار که الحمد لله باز در کوی جانان به یمن الطاف دلبر مهربان بزم عنایت آراسته شد جام بلا بدور آمد بانگ نوشانوش از هر گوشه بگوش رسید و صلاهی سرخوشی از جان عاشقان برخاست همه خرم و سرمست پیمانۀ وفا در دست بآئین جانبازی پرداخته‌اند و نبرد محبت باخته جمعی طناب دار را کمند وصل دلداری ساختند و گروهی سینه مشبک را روزن لقای جمال مبارک دیدند بعضی تازیانه بر مرکب روح زدند و چابک و چالاک بمنزلگه مقصود رسیدند و دسته‌ای داغ سوزان را درمان زهر هجران یافتند و برخی از تنگنای زندان بایوان دلگشای جانان پرواز نمودند و بسیاری چون مرغان اسیر، بی پناه و بی کس در کنج قفس

و معدوم آنچه هست حقیقت روحانیه است
 و هویت نورانیه که بقا و بقا و صفا
 اندر صفاست ... و از غرائب و قوعمات
 اینست که اعظم وسیله صون و حمایت این
 حقیقت نورانیت هجوم اعداست و آلام و محن
 بی منتها زجاج آن سراج اریاح است
 و سبب سلامت آن سفینه شدت امواج لهذا
 باید از بلا ایوب ممنون شد و از جفای
 اهل ذنوب باید خوشنودگشت زیرا سبب
 بقا و وسیله کبری و نعمت عظمی و موهبت
 بی منتهاست "

این است که یاران ایران شادمان و مفتخر از آنند که باز
 حضرت بی نیاز با لطف خویش آن مقربان بزم حقیقت را از میان
 جمیع دوستانش برگزید تا " اعظم وسیله صون و حمایت " امر
 حضرت احدیت گردند و پرچمدار سپاه نجات شوند. علم هدایت
 بدست گیرند و پیشاپیش جنود حیات برافرازند معلوم است که
 در این معرکه نور و ظلمت آنکس که علمدار است بیشتر هدف
 خصم غدار شود اما هر چه زخم شمشیر و طعن سنان بیشتر بینند
 آنرا در قبال شرف و منقبنی که یافته بهیچ انگارد و از خوف
 تیر جانکاه علم قربیت درگاه را از دست نهد.

دشمنان جاهل را امید چنان است که موه منان را با
 کشتن و سوختن و آتش عذاب افروختن خوار و ذلیل نمایند غافل

از آنکه بر عکس نتیجه بینند. جمال مبارک چنین میفرمایند:

" ستایش پاک پروردگاری را جلت قدرته
 که ظلم ظالمین و تعدی معتدین را علّت
 وصول عاشقان بمقامات قرب معشوق و
 ورود مخلصان بجنان وصل مقصود مقرر
 فرموده و بظهور بلایا و رزایا کلمه
 امریه را منتشر و اعلام ذکریه را
 مرتفع نموده تعالت قدرته الغالبه و
 ارادته المحیطه که از نار نوروا زحزن
 سرور ظاهر میفرماید غافلان بگمان باطل
 قتل و صلب را علّت انخاماد نار کلمه
 الهیه تصور نموده اند و شهادت رانهایت
 اذیت پنداشته اند غافل از آنکه سبب
 ارتفاع و اعلای امر الهی است و علّت
 وصول شهیدان بمقامات قرب نامتناهی
 تعالی الحکیم الذی یفعل ما یشاء و یحکم
 ما یرید."

ملاحظه فرمائید که مستشهدین فی سبیل الله و نفوسی که در نهایت
 انقطاع و شجاعت در قبال بلایا و رزایا باستقامت کبری فائز
 گشتند بچه مقامی رسیده اند که حق جل جلاله آنرا در میلاد
 اعلی شفیع و مجیر ما در این عالم ادنی قراردادده چنانچه در

مناجات میفرماید :

" سؤال میکنم ترا بدمائیکه در راه تو در ایران ریخته شد و بنفوسیکه سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را از توجه بتو منع نمود و از تقرب باز نداشت اینک کنیز خود را از نفاق ناعقبن و شبهات مریبین حفظ فرمائی و در ظل قباب اسم کریمت مأوی دهی ."

همچنین در نماز مفروض اهل بها هر روز بر آن ستمدیدگان بردبار درود و ثنا میفرستند و بذکرشان مذاق جان را گوارا میسازند که " والصلاة والسلام والتكبير والبهاء على اوليائك الذين ما منعتهم شئون الخلق عن الاقبال اليك وانفقوا ما عندهم رجا ما عندك " با توجه باین مواهب عالیه که در آثار مبارکه مکرر است اهل بها هر زهری را شهد یابند و هر زخمی را مرهم جان شمارند و با مظلومیت خویش دشمنان را مأیوس حتی مرعوب و مندهش و مخدول سازند .

مولای عزیز بیهمتا خطاب به خاصان بارگاه الهی در کشور مقدس ایران میفرماید :

" ای یاران پر وفا هر قدر طوفان بلا شدیدتر و اریاح محن و رزایا سوزنده تر گردد محیط

اعظم امر الهی امواجش مرتفع تر و جوش خروش مهیب تر و درر و لثالی افکننده اش بر ساحل وجود شمین تر و بدیعتش مشاهده شود . چنانچه ثابت و میرهن گشت که فشار تضییقات اخیره رغماً لکلّ معتد اشیم میدانی وسیع و فسحتی بدیع و جولانگاهی جدید بر وجه اهل بها گشود و مغلوبیت و مقهوریت ظاهره ستمدیدگان راه یزدان در ایران علت رفعت و استعلای امر مقدس در مقامات عالیه گشت . مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند تا شجره امید سقایت گردد و به برگ و میوه های گوناگون مزین شود و بمرور ایام اقوام و قبائل و ملل متنوعه متباغضه اروپا و امریکا و تاجیک و افریقا در ظل ظلیلش در آورد و تألیف دهد . تا لله هذه موهبة لا مثيل لها في الابداع يتمنّاها اهل خباء المسجد في الجنة العليا . خوشا بحال شما ای برگزیدگان حضرت کبریاء چه که نخبه احرارید

و سرور اخیار . در بوته امتحان کسرا را
و مراراً چون ذهب ابریز رخ بر افروختید
و از لواقح افتتان خموش و افسرده نگشتید .
شمائید سروران حقیقی جند ملکوت الله .
شمائید منادیان حقیقی امر جمال ابهی .
ملح ارضید و چون شریان در جسم امکان نباض
عرق حیاتی و مایه نجات و سعادت جهان
و جهانیان . "

شکی نبوده و نیست که در این طوفان بلا سیلی که از خون
شهداء نازنین ایران جاری گشت بذر فتوحات اهل بها را
بشرق و غرب عالم رسانید و اشجار طیبه ظاهره ای را
بوجود آورد که روز بروز بنزول باران عنایت رشد و نما
نماید و آشیان مرغان چمنستان هدایت گردد .
از وقایع گذشته بگذریم چه که جمیع بقلم جلی
بدست توانای ولی عزیز امرالله به ثبت رسیده و " اهراق
دماء مطهره شهیدان ایران " را آن مولای بیهمتا عامل
اصلی فتوحات اهل بها در سراسر عالم محسوب داشته اند .
حال باید ملاحظه گردد که در این چند سال کسره
عزیزان جان باخته و تنگی زندان دیده و تالان و تاراج
گشته و بدر بدری و آوارگی افتاده اند چه انتصارات
عظیمه ای نصیب اهل بها گشته و امر الهی بچه مقصدار

ترقی نموده است .

نقشه هفتساله در رضوان ۱۳۶ تقریباً مقارن با
انقلابات حالیه ایران اعلان گردید و چون مساعی یاران
در سبیل تحقق اهدافش به یمن استقامت و فداکاری و جانبازی
عزیزان ایران مؤید گشت نتایج عظیم ببار آورد .
از جمله آنکه بیت العدل اعظم در مقرر دایم خویش
بر کوه کرمل مستقر گردید و قدمی بلند در سبیل تحقق
نوایای مولای بیهمتا در ارتفاع ابنیه شامخه حول قوس
مشرف بر مراقد منوره برداشته شد .

هیئت جلیله دارالتبلیغ بین المللی تقویت گردید
و بر تعداد اعضا شرافزوده شد و دایره وظایف عظیمه اش
متسع گشت و به مقرر خویش در جوار بیت مبارک حضرت
عبدالبهاء منتقل گردید .

بیت معروف به بیت عبدالله پاشا در عکا که سالیان
دراز منزل مرکز میثاق و چندی مکان اختفای رمس حضرت
اعلی و محل تولد حضرت ولی امرالله و مرکز ملاقات اولین
دسته زائرین غربی با حضرت عبدالبهاء و محل نزول
الواج و آثار مهمه از جمله کتاب مفاوضات بود تعمیر
و مفروش و حاضر برای زیارت زائرین اعجاب مقدسه گردید .
دوایر جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل متحد
وسعت پذیرفت و بر قدر و منزلتش در محافل بین المللی
افزوده گشت و نام امر بها را در محامع شتی بلند آوازه

ساخت .

مشرق الاذکار ساموآ در قلب اقیانوس کبیر با حضور رئیس مملکت و وزیران و محترمین آن کشور و کشورهای مجاوره بدست حضرت امة البهاء حرم مبارک نماینده بیت العدل اعظم افتتاح گردید .

تعداد محافل ملیه که در اول نقشه ۱۲۵ محفل بود فعلاً ۱۴۳ محفل و تا رضوان آئینده بر ۱۴۸ بالغ خواهد شد . قوه سطوت امر الهی را ملاحظه فرمائید که اگر دشمنان یک محفل ملی را در مهد امرالله تعطیل نمودند یاران با وقای جمالقدم به تأسیس ۲۳ محفل ملی جدید قیام فرمودند .

اگر تقریباً ۵۰۰ محفل محلی در ایران تعطیل گشت یاران در عوض ۷۰۰۰ محفل روحانی محلی تأسیس کردند و مجموع آنرا به بیش از ۳۰۰۰۰ محفل رسانیدند . اگر اراضی مشرق الاذکار در ارض طبا غصباً تصرف شد یاران ۹ قطعه دیگر خریداری کرده و میکنند و تعداد اراضی مشرق الاذکار را بر ۱۲۲ قطعه بالغ نموده اند . اگر کتب و آثار را در ایران گرفتند و سوختند و از میان بردند در عوض تعداد زبانهای که به آثار الهیه مزین گشته با ترجمه به ۹۱ زبان جدید به ۷۴۰ زبان بالغ شد .

اگر کلاسهای درس اخلاق در آنکشور تعطیل شد هزاران کلاس دیگر در شرق و غرب تأسیس گشت و ۲۶۶ کتاب مخصوص اطفال بهائی به ۵۶ زبان در ۷۱ کشور بطبع رسید و اگر نونهالان و جوانان بهائی را از تحصیل علوم محروم ساخته و از مدارس ایران اخراج نمودند پیروان اسم اعظم در عوض ۳۹۲ مدرسه در قارات مختلفه تأسیس نمودند و در بعضی ممالک کتب درسی مخصوص امر بهائی در مدارس عمومی تألیف کرده و تدریس میکنند .

اگر احباء ایران را از کار و شغل و رزق یومی ممنوع و محروم ساختند بهائیان عالم بایجاد ۴۲۰ برنامه بهداشتی و کشاورزی و تربیتی پرداختند که آشنا و بیگانه از آن منتفع شوند .

اگر چرائد و رادیو و تلویزیون در ایران وسیله هتک حرمت شریعة الله و انتشار افتراء نسبت به احباء الله گشته در ممالک و بلاد سائر بقدری جرائد و وسائط اعلان عمومی در باره امرالله بنشر حقائق پرداخته اند و تفسیقات یاران را در ایران تقبیح نموده به اشاعه اخبار و مقالات در حمایت از امر اعظم و بهائیان مظلوم پرداخته اند که احماش دقیقاً ممکن نه . یاران وفادار باین مراتب نیز اکتفا ننموده اند و علاوه بر رادیو بهائی در کشور اکوادور سه فرستنده

رادیو مستقل بهائی نیز در کشورهای بولیویا و پرو و امریکا تأسیس کردند که منحصراً در دست بهائیان است و بانتشار تعالیم الهی و پخش برنامه های مفید اجتماعی مشغول است .

اگر احبباء ایران از مسافرت و شرکت در میادین خدمت موقتاً محروم گشته اند بحمدالله بهائیان عزیز در شرق و غرب جبران آن محرومیت را نموده اند چنانکه بیش از ۳۲۰۰ مهاجر فداکار قیام کرده و اهداف نقشه هفتساله را تحقق بخشیده اند بعلاوه بیش از ۵۸۰۰ نفر دسته دسته باسفار تبلیغی از طریق موه سات امریکه اعزام گشته اند .

اگر در مجلس ایران ذکر امرالله فقط از حلقوم ارباب کینه و غرض بیرون میآید در عوض مجامع عالیه عالم و پارلمانهای ملل تا بحال متجاوز از یکصد لایحه و بیانیه در حمایت از امر اعظم گذرانده اند . از جمله در پارلمان اروپا که مرکب از نمایندگان ده کشور اروپائی است سه لایحه باتفاق آراء به تصویب رسیده که به موجب آن نمایندگان از احزاب مختلفه در ده کشور اروپائی از دولتهای خویش خواسته اند که حمایت از مظلومان ایران را متعهد گردنند .

پسای یاران عزیز چون دیده بصیرت بگشائیم سر فدا را در استقامت بهائیان عزیز در ایران مشهود بینیم و سر تعظیم پیش آن واصلان بارگاه قرب الهی فرود آوریم و بزبان دل آن جواهر وجود را صلا زنیم که ای مقبلان ای منجذبان بشارت باد شما را که بآئین دلدادگی فائز گشتید و خاور و باختر را به تجلیات عشق جمال مبین منور فرمودید در مجمع احباب روح جدید دمیدید و طریق انقطاع نمودید و کل را بر عبودیت آستان تحریض و ترغیب نمودید و بر آن داشتید تا بنام شما در اقصی نقاط دنیا مشروعات عظیمه برپاکنند و نقشه های عدیده در تبلیغ و انتشار امرالله طرح نمایند . از برکت خون پاکتان گلستان عرفان آبیاری گشت و ده ها هزار نهال نورسته ببار آمد و سبب تزئین حدیقه حقیقت گردید چنانکه مثلاً در هندوستان بیش از یکصد و شصت هزار نفر اخیراً در ظل امرالله وارد گشتند گمان میرید ما که بانتساب آن شیران بیشه فدا مفتخریم از ذکر خیرتان غافلیم شب و روز یاد دل افروز شما شمع هر انجمن است انوارش الهام بخشد و حرارتش دلگرم نماید جمالش دلربائی کند و عطر کافوریش مشک بیز شود . آسوده و مطمئن باشید که راه شما پوشیم و نگذاریم که ما را به بیوفائی منسوب کنند . شما در سبیل عشق

بها جان دادید ما وقت و استعداد خداداد را بر طبق
 اخلاص نهیم و نثار راهش نمائیم شما دیده از مال
 و اندوخته بکلی دوخته اید ما آنچه را خداوند بیمانند
 عطا فرموده در سبیل عبودیتش فدا کنیم شما باعمال
 طیبه ظاهره بانتشار و ترویج امرالله پرداختید ما
 نیز لسان به تبلیغ گشائیم و از برکت جانبازی شما
 نفوس کشیری را بساحل سعادت رسانیم . اگر از حرکت
 محرومید ما جبران کنیم و تشمتی را که حال خداوند بما
 عنایت فرموده وسیله ارتفاع امرالله در نقاط جدید
 و لازمه نمائیم در یک محل مجتمع نشویم و بنام شما
 بفتح اقالیم سائره پردازیم . رداء تقدیس بر دوش گیریم
 تا بر دامن پاکتان که تار و پودش را از راستی و درستی
 و خدا پرستی بافته اند غباری ننشیند . جوش انقطاع
 در برکنیم تا چون شما روئین تن شویم و از هجوم مکاره
 دنیا و حرص و طمع و شهوات که از خصائص عالم طبیعت
 است نجات یابیم . از آلائش جهان فانی رو بو گیریم
 و باسایش حقیقی جاودانی رسیم . غمخوار یکدیگر شویم
 دستگیر و مساعد و همراه و معاضد هم گردیم و چنان کنیم
 تا اعمال و اخلاقمان بر تقدیس و تنزیه امر الهی چون
 آن شیدائیان حلقه محبة الله شهادت دهد و شاهد سعادت
 ابدی رخ گشاید و لقاء جمال ابهی در ملا اعلی چه ره

نماید .

دعای این مشتاقان در جوار مقامات مقدسه علیا
 چنان است که آن عزیزان مهجور بآنچه در ضمیر منیر
 تعهد فرموده اند فائز گردند و مظلومان ایران را با
 اعمال و اقوال و عبودیت آستان کردگار شاهمان و امیدوار
 فرمایند و مفتون وفاداری و بردباری خویش کنند
 و باری از دوش توانایشان بردارند و بیش از پیش آنان
 را بر علو مقامشان و عظمت اعمالشان واقف سازند
 و البته چنین خواهد شد .

فهرست اعلام و اهم مواضع

صفحه

۱۰۰	ابن ذئب (لوح)
۱۰۵-۸۹-۱	اجتناب از دخالت در امور سياسيه
۳۲	اجرات عموميه اهل بها
۶۷-۶۶	احباي محلي (خارجه)
	احباي الهی از بروز انقلابات
۱۰۰-۹۷-۸۴	نهراسند
	احباء، احباي الهی، احباي
	جمال قدم
۹-۶-۱۱-۱۳-۲۲-۲۶	احباي ايراني در ممالک خارج
۶۲-۵۸-۵۶-۵۳-۴۴-۴۳-۳۵	احترام نوا ميس الهييه
۱۱۷-۱۰۰-۷۷-۶۵	احتراز از تقليد و تصنع
۶۶	احسن التقويم
۱۲	ادب و محبت و اخلاق
۸۵	ادبيات
۳۵	اديبان عتيقه
۵۲-۳۰-۱۹-۱۵	ارباب کيد و ریا
۸۲	ارتقاغ امرالله و کلمه الله
۱۵-۴	اروپ - اروپا
۳	ازدواج
۳۲-۲۳	اساس امرالله
۱۱۸-۱۱۳-۷۶	اساطير اولين
۳۳	استخلاص و استقلال امر بديع
۵۹-۳۶	استراليا
۱۶	استقامت احبا بربلايای وارده
۴۷-۵	
۱۰۳-۷۶	
۹۵-۷۸-۷۷-۵۵-۱۱-۸-۷	استمرار امتحانات الهييه
۹۶	
۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۳۲-۲۳	
۹۸-۹۷-۹۶-۹۲-۸۳-۷۷	
۱۰۸-۱۰۷-۱۰۰-۹۹	
۹۶-۹۵-۸۱-۸۰-۷۷-۷۰-۹	استمرار محن و بلايا برا احبا در ايران
۱۰۸-۱۰۷-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷	
۷۳-۷۰-۴۱-۳۶-۲۳-۱۷-۱	اسم اعظم
۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۹۸-۹۳-۸۸	آسيا
۹	

صفحه

۶۵-۵-۳	امالت و جامعيت امرالله
۲۲	اصحاب علوم
۲۳-۱۷	اصلاح عالم
۳۰	اطاعت از محافل روحانيه
	اطاعت احباء از قوانين
۸۹	کشورهايی که در آن ساکنند
۵۵-۴۵-۲۹-۲۸-۱۹-۱۸	اعتدال
۸۸-۸۶-۶۳	
۸۱-۷۳-۷۲-۷۰-۵۴	اعتراض و غفلت اهل عالم
۱۰۲-۹۷-۶۳	اعلاء کلمه الله
۱۱۵	اعلی (حضرت)
۴۳	اعمده نظم بديع الهی
۱۱۳-۷۶-۶۰-۹	افریقا - افريق
۱۵	افنان
	اقتباس آداب ممدوحه و فضائل
۶۷	و مکارم
۵۱-۳۱	اقدس (کتاب)
۱۱۶	اقيانوس کبير
۴۷	اكتساب علوم و فنون نافع
۱۱۷	اکوادر
۲۸	البسه اماء الرحمن
۵۴	القاء کلمه الله
۱۰۳	آلمان غربي
۱۰۳	الواح ملوک و سلاطين
۱۰۲-۴	اماکن متبرکه
۱۷	امراض مزمنه ممالک متاء خره
۱۱۸-۱۵	امراعظم
۶۴-۴۵-۲۸-۲۲-۱۳-۹-۲	امربهائي امرالله مرمبارک
۱۰۳-۱۰۲-۱۰۰-۹۷-۸۹	
۱۰۴-۱۰۲-۷۶-۶۰-۱۳	امريک - امريکا
۴-۱	امناء الهی - امناء امرالله
۱۹	امور جزئيه ثانويه
۱	امور خيريه
۲۹	امور عاليه و وظائف معنويه
۵۲-۵۰-۴۴	انتشار امرالله
۲۰-۱۹-۱۵-۱۴	انسان ، بشر
۹۹-۸۶-۴۷-۳۸-۲۴-۱۹	انقطاع و تجريد
۱۲۰-۱۰۴	

صفحه

انقلابات عالم	۱۴-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳
انقلاب اعظم مقدمه اعلان مرالله	۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۸۰-۸۱
اهداف داخله	۸۲-۸۳
اهل ایمان	۷۶-۹۲-۹۹-۱۰۰-۱۰۷
اهل بهای	۱۰۸
اهل زمین - اهل عالم	۵۵
اهل عدوان	۲-۸
اهل غرب	۱-۱۱-۱۷-۱۹-۳۰-۳۵-۳۷
اهل ملکوت	۴۴-۴۵-۶۴-۶۸-۶۹-۷۱
اوساخ اهل ارتیاب و تقلید	۸۳-۸۴-۸۸-۹۰-۹۲-۹۳-۹۸
اوساخ تقالید عتیقه	۱۰۳-۱۰۵-۱۱۲-۱۱۴
اوهام و تعصبات	۱۵-۲۳
آیات و الواح الهیه و صحف قیمه	۲-۱۰
ایام تسعه محرمه	۱۸
ایران	۴-۸-۱۴-۴۸-۴۹
	۱۱-۱۲
	۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۳-۲۰-۲۵
	۲۶-۲۹-۳۶-۴۱-۴۲-۴۳-۵۰
	۵۵-۵۶-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۴
	۶۵-۶۶-۶۸-۸۱-۸۲-۸۸-۸۹
	۹۱-۹۲-۹۸-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۴
	۱۰۵-۱۰۸-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳
	۱۱۴-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۱
ایرانی - ایرانیان	۵۸-۶۶-۶۷-۶۸-۸۹-۹۰-۹۵
	۱۰۲-۱۱۷
ایمان و ایقان	۱۹-۲۱-۲۴-۲۵-۳۲-۵۱
	۸۷-۱۱۵-۱۱۹
آینده درخشان امرالله	۸۰-۸۳-۹۲-۹۷-۱۰۰-۱۰۱
	۱۰۲
بلاد غرب	۸-۶۲-۶۴-۹۵
بلیات و صدمات وارده در سبیل امر الهی محبوب است	۸۲-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰
	۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۹-۱۱۲
بلیویا	۱۱۸
بهاء الله (حضرت)	۱۹-۲۱-۴۶-۸۴-۱۰۹

صفحه

بهائی - بهائیان	۴-۱۱-۱۲-۱۶-۲۱-۲۶-۲۸
	۲۹-۳۱-۴۱-۴۷-۵۵-۵۶-۶۴
	۶۷-۸۴-۹۵-۱۰۴-۱۱۷-۱۱۸
	۱۱۹
بیت العدل اعظم	۶-۹-۱۲-۳۲-۱۱۵-۱۱۶
پارلمان اروپا	۳-۱۰
پاسیفیک (جزائر)	۹-۱۰۴
پرو	۱۱۸
پرهیز از تجمع در یک نقطه	۶۶
پرهیز از عادت و افکار مفرطه	
شرق و غرب	۶۷
پیروان اسم اعظم و جمالقدم	۱۹-۲۶-۶۹-۷۳
پیشرفت های امر بهائی	۷۱-۷۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷
تاریخ	۸-۹
تأییدات غیبیه	۱۰-۱۷-۲۶
تاسیسات مستقله امریه	۱۲
تاسیس ملکوت ابهی	۲۲
تبرعات خیریه	۳۱-۳۲-۱۰۵
تبلیغ امر اعظم و نشرنجات الله و ابلاغ کلمه الله	۴۳-۴۴-۴۶-۴۷-۵۲-۵۳-۵۴
	۵۹-۶۶-۷۸-۱۰۵-۱۰۶-۱۱۹
	۱۲۰
تجارت	۱۵-۱۸-۳۸-۶۳
تجلیل از جانفشانی های احبای اولیه و زمان حاضر در ایران	۹۱-۹۲-۹۳-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸
	۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۳-۱۰۴
	۱۰۵-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰
	۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴
تخلّق به اخلاق و شیم الهیه	۲۰
تدنی اخلاقی در عصر حاضر	۲۰-۲۸
تربیت الهی و روحانی	۲۹-۵۲
تربیت جوانان و نونهالان	۶۷
ترقی و صعود نوع انسان	۲۱
تزلزل در ارکان مدنیت کنونی و مظاهر آن	۸۱-۸۲-۸۳
تسلیم و رضا	۲۳-۵۹-۹۱
تشدید مخالفت با امرالله در آینده ایام	۷۲-۷۳-۷۵-۷۶

صفحه

۳۰	تشکیلات امر بدیع
۱۵	تصرفات آفاقیه
۲۶-۲۸-۱۸-۱۲	تعالیم الهیه
	تعديل معیشت و توزیع
۲۰-۱۸-۱۶	عادلانہ ثروت
۶۷	تعصّب و تصلّب
	تعلق به زخارف و تظاهر به
۱۹	تجملات مردود است
	تعلیم زبان فارسی به اطفال
۶۷	و جوانان
	تقالید سخیفه و تشبه
۲۸-۲۴-۱۸-۴	باقوام سائره
۱۷	تقوی الله
۳۴-۳۲	تقیه و انکار
۳۲	تکالیف شرعیہ قاطعه اهل بها
	تلاوت و تحصیل آیات و مناجات
	و الواح
۵۹-۵۲-۵۱-۴۸	تمدن رو بزوال اهل غرب
۴۸-۱۸	تمدن و تجدد
۱۸-۱۶-۱۵	تنازع بقا
۱۶	تنزیه و تقدیس
۱۲۰-۲۹-۱۹	توجه الی الله
۲۸	توقیعات حضرت ولی امر الله
۷۰	توکل و تفویض
۸۳	ثروت
۸۷-۸۶-۳۸-۲۲	ثروت وسیله عبودیت آستان الهی
۱۹	جامعه بشریہ
۱۱-۱-۲۹-۳۶-۴۵-۵۸-۶۴-	جامعه - جامعهء بهائی
۱۰۱-۹۰-۷۳	
۵-۱	جامعیت کلمة الله و امر الله
- ۷۱-۶۳-۵۸-۴۹-۴۲-۷-۳	جمال اقدس ابھی - جمال الهی
- ۱۰۶-۱۰۲-۹۷-۹۰-۸۹-۷۸	
۱۲۰-۱۱۴	
۷	جمال رحمن
۶۹	جمال قیوم
۱۱۶-۷۷-۳۲-۱۷-۱۳-۹	جمال قدم
۱۰۶	جمال قدیم
۷۷-۳۵-۷	جمال کبریا

صفحه

۸۳-۶۲-۶۱-۵۹-۵۵-۱۹-۱۰	جمال مبارک
۱۱۱-۱۰۸	
۱۱۹	جمال مبین
۳۵	جنت علیا
۲۵	جنتہ النعیم
۵۳-۴۹-۲۶-۱۰	جنود ملا اعلیٰ
۶۸-۶۷-۵۲-۴۸-۴۷-۳۳-۲۴	جوانان بهائی
۲۰	جواهر معانی
۹۳	جواهر وجود
۸	جهاد جهانی روحانی
۷۴-۴۲	جهاد کبیر اکبر
۷۲	جهلای ارض
۹۶	جیحون
۴۲	چراغ میثاق
۷۶	چین
۱۰۱	حبل المتین تعالیم الهی
۳۳-۱۲	حدود و احکام الهی
۵۰	حرکت بدیعه شوقیہ
۹	حرکت جوهریہ
۵-۳	حریت
۶۷-۱۹	حریت مفرطہ
۲۹	حسنات اهل غرب
۲۴	حصن اعظم
۸۳-۷۱-۴۲	حصن حصین امر الله
۶۱-۱۳	حضرت احدیت
۱۰۹	حضرت عشق
۲۲	حضرت مقصود
۱۲	حضرت یزدان
۷۴	حظائر قدس
۱۰۵-۳۲-۳۱	حقوق الله
۱۰۲	حقوق بشر
۶۵-۸	حکمت الهی
۵۶-۵۳-۴۷-۴۶-۲۴-۱۹	حکمت بیان ، حکمت عقل
۲۰	حیات ابدی
۱۰۷	حیات بشر
۲۲-۱۶	حیات موقت
۱۹	خانواده
۱۰۹-۱۰۶-۲۵-۱۴-۷	خدا - خداوند

صفحه

۳۰	خدمات تبلیغی و اداری
۷-۱۳-۲۰-۲۲-۲۶-۳۰-۳۲-	خدمت به امر مبارک
۳۸-۶۳-۶۶	خدمت به عالم انسانی
۲۲-۴۷	خشية الله
۱۵	خضوع و خشوع
۳۰-۸۴	خطا پوشی
۶۵	خطه مبارکه ایران
۹	خلافت امرا لله
۵۶	خلعت سرخ شهادت
۹۹	خلق جدید
۲۱	دارالتبلیغ بین المللی
۱۱۵	دخالت در امور شخصی دیگران
۶۵	دعا و مناجات
۶-۵۴	دین - دین الله
۹-۱۵-۱۶	ذیل مظهر امرا لله
۱۷-۵	رای اکثریت
۳۰	رای و حکم شخصی
۱۵	رسوم موهوم
۲۰-۳۷-۶۳	رضای الهی
۴۳	رضوان
۱-۵۴	رفع تعصبات جاهلیه
۲۸	رقعی
۱۵	روح الهی
۲۰	روح مودعه در تعالیم
۱۵	زراعت
۴	زیارت اماکن متبرکه
۱۰۳-۱۱۵	سازمان ملل متحد
۲۰	سالکان سبیل نجات
۱۰۵-۱۱۶	ساموا
۸-۴۹	سپاهیان ملکوت
۱-۶-۱۲	ستاپندگان اسم اعظم
۳۵	سجن اکبر
۹۰	سعادت بشر
۳۲	سعادت حقیقی
۱۱	سعادت ظاهره
۱۸	سلامت و سعادت اقوام و ملل
۱۷	سلطان حقیقت
۱۹	سنوحت روحانی

صفحه

۱۸-۱۵	سیاست
۱۷-۲۹	سینات اهل غرب
۲۵	سیاه چال
۴۳	شاطی بحر احدیت
۶۴	شئون ثانویه
۱۶-۲۳	شئون ظاهره دنیا
۵۲	شئون نفس و هوی
۲۱	شئون و کمالات ایمان
۵۸	شبان الهی
۶۷-۹۶	شجره طیبه
۱۶	شتر
۷۶	شرق اقصی
۷-۳۶-۶۲-۹۷-۱۰۸-۱۱۸-	شرق و غرب
۱۱۹	شعائر امریه
۱۲	شمس
۲۳	شمس حقیقت
۶۰	شمس علم
۷۲	شمس عهد و میثاق الهی
۴۲	شهوآت نفسانی
۱۸	صبح صادق هدایت
۴۸	صبح هدی
۷۰	صدأقت و صراحت و امانت
۳۰-۳۱-۳۶-۸۰-۹۰-۱۰۶-	صفات رحمانی
۱۹	صندوقهای امریه
۳۱	طاق کسری
۸۷	طبقات نفوس
۲۰	طبیقات حقیقی
۷۲	طیب کامل
۲۳	طراز اخلاق الهیه
۵۱	طهارت
۴	طهران - ارض طاء
۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-	عادات مذمومه غیر مرضیه
۱۱۶	عالم انسانی
۲۹	عالم بها ئی
۲-۳-۱۳-۳۵-۵۴-۱۰۴-	عالم سیاست
۵۸	عالم ، عالم فانی
۱۸	
۹-۱۴-۲۲	

صفحه

۵	عبادات
۳۸-۴۳-۴۶-۸۴-۱۱۵-	عبدالیهاء (حضرت)
۱۱۵	عبدالله پاشا (بیت)
۶-۱۰-۱۴-۲۲-۲۳-۲۴-۲۶-	عبودیت
۴۲-۵۰-۵۸-۶۳-۶۸-۸۵-۱۰۶	
۱۰۷-۱۱۹	عدل و انصاف
۳۱-۳۶	عدم تقید و لا مذهبی
۲۸	عربستان
۹	عرفان حق
۸-۱۹-۲۲-۲۴-۴۴-۵۱-۸۷	عزت امرالله
۶۰	عزت و شوکت
۱۱-۱۳-۲۲	عصر تکوین
۶۵-۸۳-۹۹	عصر رسولی
۸-۹۹	عظمت امرالله
۷۵	عفت و عصمت
۲۹	عقد بهائیی
۲۳	عقد غیر بهائیی یا مدنی
۳۳	عکا
۱۱۵	علت انقلابات عالم
۷۲-۷۳	علماء فی البهائ
۲۲	علم هدایت کبری
۲۴	علوم ظاهره - حجاب اکبر
۲۲	علوم عالییه
۱۸	علوم و فنون عصریه
۱۵	عنان گسیختگی بشر امروزی
۱۵	عمومیت آئین بهائیی
۶۵	عوالم الهی
۱۶	عهدی (کتاب)
۸۷	غنا
۲۲-۲۳	غنای حقیقی
۲۰	غنای روحانی
۵۲	فتح مدائن قلوب
۷۳	فداکاری و قربانی
۱۲-۳۰-۹۹	فجر ظهور کلی الهی
۶۹	فخر انسان
۱۹	فرنک
۷۶	فروغات ثانویه
۶۴	

صفحه

۲۰	قدوه حسنه
۳۸	قرآن
۲۳	قربیت یزدان
۱۲-۱۸-۲۰-۳۱-۵۰-۶۸-۷۲	قلم اعلی
۷۸-۸۶-۸۷	قلم میثاق
۲۱-۲۲-۸۱	قوانین امری
۳۳	قوای قدسیه
۹	قوه جامعه روح حضرت بهاء الله
۲۱	قهر و سخط الهی بر جامعه انسانی
۷۳	قیام زما مداران و روسای ادیان
۷۵-۷۶	بر ضد امرالله
۱۰۳	کانادا
۱۲	کتاب الله
۱۱۵	کرم ل
۱۱۷	کلاسهای درس اخلاق
۳۷-۸۷	کلمات مکنونه
۵۱-۱۰۵	کلمة الله
۱۸	کمالات و فضائل ملل غریبه
۷۴	کوکب دُرّی میثاق
۱۰۱	گلستان جاوید
	لثالی درخشان آیات و تعالیم
۵۲	مبارکه
۲۸	لاقیدی
۱۴	لامذهبی
	لزوم تمسک احیا به اصول
۸۴	حیات بهائیی
۸۲	لزوم زین
۶۷	لسان الواح مبارکه
۱۰۰	لسان عظمت
۴۵-۴۶	مبانی اساسیه مرحضرت بهاء الله
۱۱	مبانی روحانی
۶۴	مبانی عالییه کلیه امر بهائیی
۱۵-۱۸-۲۹	مبانی معنویه سامیه امرا عظم
۱۱۸	مجلس ایران
	مخافل روحانییه ملیه و محلیه
۲۸-۲۹-۳۰-۳۳-۳۴-۳۹-۴۴	و مؤسسات امریه
۵۰-۵۵-۵۶-۶۷-۸۸-۱۱۶	
۶-۲۷-۵۱-۹۳	محبت الله

صفحه

۵۹	محبت و حکمت
۴۴	محفل تبلیغی
۲۳	محک تعالیم الهی
۶	محویت
۱۰۵-۹	محیط اعظم
- ۸۰-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳	مخالفت اعداء سبب پیشرفت امرا لاله
۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹-۱۰۸-۸۱	
۵۱-۱۶-۲	مدنیت روحانی و آسمانی
۲۹	مداخله در آموزش شخصیه یکدیگر
۴۸-۲۵-۱۶-۱۴	مدنیت کاذبه مادیه
۸	مدنیت کبری
۲۱	مراتب وجود
۷۸	مرآت علم الهی
۳۰	مراجع رسمیه
۴۶	مراعات قوانین و رسوم دولت و ملت
۳۲	مرجع امر
۳۲	مرکز امرا لاله
۴۲	مرکز پیمان
۶۲-۶۰-۵۸-۵۳-۳۱-۲۵-۱۳	مرکز میثاق
۱۱۵-۹۶-۷۱	
۱۶	مسکرات و مخدرات
۵۶	مشاورین و معاونین و مساعدينشان
۴۶	(حضرات)
۱۰۵-۷۱	مشرب عالم
۱۲-۱۱	مشرق الاذکار
۳۲	مشروعات و معاهد امریه
۳۲	مصارف خیریه
۳۷-۳۰-۱۲	مصالح امریه
۵۱	معارف روحانیه
۴۵	مقاصد خیریه عالم بهائى
۱۱۵	مفاوضات (کتاب)
۳۲	مقررات مملکتی
۴۸	مکاتب مادیه
۲۵	مکاشفه و انقطاع
۱۰۶-۷۲-۱۰	ملا اعلی
۵۹-۴۵-۱۳-۲	ملکوت ابهی
۱۸	ممالک متاء خره
۳	منهج قویم

صفحه

۱۵-۹	موازین بشری و مادی
۶۲	موطن اسم اعظم
۴۲	موطن جمال اقدس ابهی
- ۷۴-۷۲-۴۲-۳۷-۲۰-۱۰-۸	مولای توانا، بی همتا، خبیر و علیم، قدیر، مهربان، حنون
۱۱۵-۱۱۴-۱۱۲-۸۴-۷۵	مهاجرت
۸۹-۸۸-۵۵-۴۷-۳۹	مهد امرا لاله
۱۱۶-۱۰۸-۱۰۲-۹۵-۴۷	میادین بین المللی
-۶۱	میثاق
۲۱	میزان اتم اقوام الهی
۴۸-۲۳-۹	نار موقده الهیه
۴۶	نجات امم
۲۳	نجات و ظفر الهی
۳۱	نصرت و ظفر امرا لاله در بحبوحه انقلابات
۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۱-۷۰	نصوص الهیه
۱۱۲-۱۱۱-۱۱۰-۸۰	نظم اعظم
۳۲-۳۱	نظم بدیع الهی
۸۱	نفحات روح القدس
۷۴-۷۱-۴۲-۲	نفحات وحی
۱۵	نفوس منحرفه غافله مقلده
۵۱	نقشه پنجساله
۲۹	نقشه نه ساله
۶۰-۴۳	نقشه های بدیعه
۴۲	نقشه های ملیه
۷۱	نقشه هفت ساله
۷۴	وجدان - وجدانیات
۱۱۵	وحدت در کثرت
۵-۳	وحدت عالم انسانی
۶۴	وزرات ملکوت
۷۱-۶۲-۱۷	وصایای الهیه
۱۲	وظائف احبای ایرانی در
۶	قبال احبای غربی
۸۹-۸۸-۸۴	وظائف احبای در قبالات
۸۴-۸۳-۷۵	و مخالفین
۸۶-۸۵-۳۰	وظائف اصلیه اهل بهاء

صفحه	
۴۹-۱۰	وعود مصرحه الهیه
۹۹-۵۵-۳۷-۳۶-۳۵-۷	وفا
۴۲-۱۳	ولایت عظمی
۱۰۰-۹۱-۴۵-۴۴-۲۸-۱۱-۷	ولی امرالله (حضرت)
۱۱۵-۱۱۴	
۱۵	هرج و مرج دنیاى امروز
۶۲	هفت اقلیم
۱۰۳	هلند
۸۲	هندوچین
۱۱۹-۷۶	هندوستان
۸۲-۱۹-۱۸-۱۵-۳	هنر و موسیقی و صنعت
۹	هیگل امکان